

از شعار تا واقعیت؛

آبادوران یکجانبه‌گرایی واقعاً تمام شده است؟

کرج و ابریزوزه‌ها: میان ویتترین قدرت و نیاز شهروند؛

آینده‌ای بر فراز پل‌ها

نگاه «دنیای هوادار» به آنچه در شب اول رقابت‌های آسیایی رخ داد؛

فاجعه ملی

«استاندار» در گفت‌وگو با «دنیای هوادار» مطرح کرد؛

بوشهر در تلافی توسعه و تاب‌آوری

حرف اول

دلواپسان به تبعات کارشکنی داخلی اندیشیده‌اند؟

بازی در زمین دشمن ممنوع!

دارند، دقیقاً روی همین نقاط ضعف سرمایه‌گذاری می‌کنند: شکاف میان دولت و مجلس، بی‌اعتمادی مردم به نهادهای سیاسی، و ناتوانی در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای. اینجاست که مرز میان «نقد منصفانه» و «تخریب مغرضانه» روشن می‌شود؛ اولی موتور پیشرفت است و دومی ابزار دشمن. جامعه ایران در یک بزنگاه تاریخی ایستاده است. از یک سو نیاز به بازسازی اقتصادی و اجتماعی، و از سوی دیگر فشارهای خارجی و تحریم‌ها. در این میان، دولت پزشک‌یاب حامل فرصتی است که می‌تواند مسیر کشور را از چرخه‌های بی‌اعتمادی و انزوا خارج کند. اما تحقق این هدف بدون همراهی همه ارکان قدرت و جامعه ممکن نیست.

سیاست‌مداران، نمایندگان مجلس و حتی رسانه‌ها باید به یک حقیقت بنیادی تن دهند: هر تخریب و کارشکنی در مسیر اجرای برنامه‌های دولت، فراتر از یک رقابت جناحی، همان «بازی در زمین دشمن» است. این نه یک شعار سیاسی، بلکه واقعیتی است که بارها در تجربه تاریخی ایران و جهان تکرار شده است. امروز اگر اراده‌ای برای حفظ استقلال و تقویت انسجام ملی وجود دارد، باید این اراده نخست در رفتار داخلی نمایان شود. دشمنان بیرونی منتظرند تا از کوچک‌ترین ترک در دیوار اعتماد داخلی، پل بزرگی به سوی منافع خود بسازند. تاریخ فردا قضاوت خواهد کرد که چه کسانی در این لحظه خطیر به جای تقویت امید و حمایت از برنامه‌های ملی، بار بر زمین گذاشتند و چه کسانی بار بر دوش کشیدند. بی‌تردید، این قضاوت، ساده و گذرا نخواهد بود.

طبیعی می‌تواند بر سر روش‌ها اختلاف داشته باشند، اما اگر این اختلاف از مسیر منطقی و نهادی خارج و به سمت جنجال رسانه‌ای و مکرر کشیده شود، خروجی آن چیزی جز اتلاف انرژی و کند شدن چرخه تصمیم‌گیری نخواهد بود. تجربه تاریخی نشان داده است که در لحظات بحرانی، گسست میان نهادهای اصلی قدرت در داخل کشور، همان شکافی است که دشمنان بیرونی دقیقاً روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. چنین کارشکنی‌هایی را می‌توان در چارچوب نظریه «ناامنی ساختگی» تحلیل کرد: گروهی از کنشگران سیاسی با برجسته‌سازی ضعف‌ها و اغراق در ناکامی‌ها، به دنبال تولید احساس یأس و بی‌اعتمادی در جامعه‌اند. در حالی که دولت تازه در حال تثبیت ساختارهای اجرایی و پیگیری برنامه هفتم توسعه است، فشارهای نابجا می‌تواند منابع انسانی و سیاسی را از تمرکز بر حل مسائل اصلی، نظیر مانند معیشت و اشتغال بازدارد.

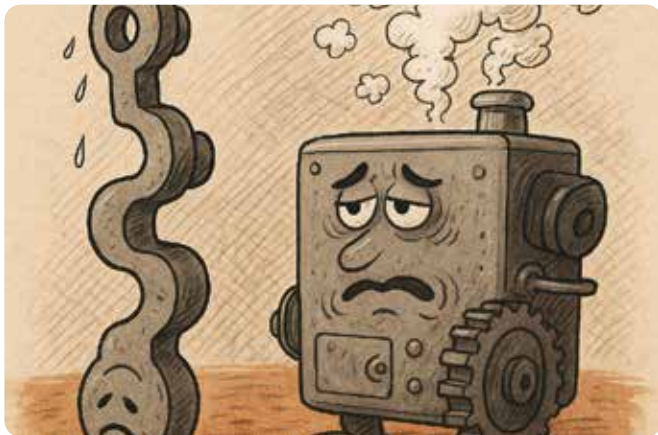
منطقاً بایستی بپذیریم که هیچ کارشکنی‌ای بدون ذی‌نفع نیست. تضعیف برنامه‌های دولت، چه در حوزه کالابریک الکترونیک برای طبقات پایین و چه در برنامه‌های صنعتی و انرژی، عملاً به معنای استمرار وضع موجود است؛ وضعی که گروهی محدود از آن بهره‌مند می‌شوند. به بیان دیگر، کسانی که از «اترازی» اقتصادی، «بی‌ثباتی» سیاست خارجی و «بی‌اعتمادی» اجتماعی سود می‌برند، طبیعی است که در برابر هرگونه برنامه اصلاحی مقاومت کنند، اما نقطه کلیدی آنجاست که این مقاومت، در عمل هم‌راستا با خواست دشمنان خارجی است. آنان که از انسجام ملی هراس

مهرداد تیموری

دولت چهاردهم با ریاست مسعود پزشکیان در شرایطی زمام امور کشور را به دست گرفته است که جامعه با انبوهی از مشکلات ساختاری در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دست به گریبان است. در چنین بزنگاهی، طبیعی است که بخش‌هایی از نهاد سیاست و رسانه بر نقد و پرسشگری تمرکز کنند؛ اما تفاوت اساسی میان «نقد منصفانه» و «تخریب و کارشکنی» دقیقاً همان مرزی است که می‌تواند آینده یک ملت را رقم بزند. امروز بیش از هر زمان دیگری روشن است که بازی در زمین دشمن نه صرفاً یک استعاره سیاسی، بلکه واقعیتی جوونا اعتماد نکن؛ تا این‌ها بخوان پخته بشن تو سوختی! از اون‌ور جوونا بهم زنگ می‌زنن: قربان، از این قدیمیا آبی واست گرم نمی‌شه، ما آپدیت هستیم!» می‌پروم شهرستان، این‌طوری همه‌چی که در پی بازتعریف سیاست خارجی و ددش. پرسش محوری اینجاست: چرا بخشی از جریان‌های داخلی، به جای تقویت برنامه‌های دولت در مسیر توسعه و اصلاح، آگاهانه یا ناآگاهانه همان خطی را دنبال می‌کنند که قدرت‌های خارجی در پی آن هستند؟

پزشکیان در ماه‌های اخیر نشان داده که در پی بازتعریف سیاست خارجی و ترمیم روابط منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است. سفرهای فشرده رئیس‌جمهور به کشورهای مختلف و تلاش برای گشودن گره‌های دیپلماتیک نشان از اراده‌ای دارد که ریشه در منافع ملی دارد. این در حالی است که هرگونه تضعیف این حرکت، دقیقاً با منطق کسانی هم‌صدا می‌شود که سال‌ها کوشیده‌اند ایران را در انزوا نگاه دارند. در سطح داخلی نیز مسئله روشن است. مجلس و دولت به‌طور

نیش هوادار



گفتم: «رئیس‌جان! حالا که چی؟ اگر می‌دونستی و مسئولیت قبول کردی، که خربزه خوردن پشتش لرزیدن هم داره؛ اما آگه نمی‌دونستی، که دیگه عذر بدتر از گناه‌ها!» گفت: «خب، من هر کاری که لازم باشه انجام می‌دم، اما واقعاً موندن به ساز کی برقصم؟ قدیمیا در گوشم می‌کن: به جوونا اعتماد نکن؛ تا این‌ها بخوان پخته بشن تو سوختی! از اون‌ور جوونا بهم زنگ می‌زنن: قربان، از این قدیمیا آبی واست گرم نمی‌شه، ما آپدیت هستیم!» می‌پروم شهرستان، این‌طوری همه‌چی دست و وقت‌تق صدای شاترهای دوربین! نمی‌رم شهرستان، پشتم صفحه می‌ذارن که یارو عقده‌مرکز نشینی داره! گفتم: «خب، شما یه کاری یکن.» گفت: «قرون دهنت، هر چی بگی می‌گم چشم!»

گفتم: «واسه خودم نمی‌خوام.» گفت: «اینو می‌دونم، چون تو عادت نداری از مسئولین چیزی واسه خودت بخوای!» گفتم: «خب، خدا نازنین پدرتو بیامرزه، استعفا بده، خلاص!» گفت: «چشم.» و قطع کرد! به همین سادگی - خدا حافظی هم نکرد! ولی آخر ماجرا شیرین بود! چون راستش رو بخواین یادم رفت ازش ببرسم: «بخشید، من عمر آشمارو به‌جانیاوردم! اصلاً شما رئیس کدوم فدراسیون هستید؟»

به تاریخ: دیروز / امروز / فردا

نزدیک ۱۵۰ پیامک، ۹۰ واتس‌آپ، ۷۳ تلگرام، ۱۴ زنگ! دارم. گفتم: بسه، خسته شدم، دیگه بقیه‌شو نگوا! گفت: نه گوش کن! یکی می‌گه اینو بذار اون‌جا، به نفر دیگه پیغام داده اونو بذار این‌جا، من موندن تپش چیو و کیو از کجا بردارم و کیو و چیو بذارم کجا؟! چپ می‌رم، شکایت پشت شکایت! راست می‌رم، سر ماه رسیده و هزار سند پرداختنی توی کارتابل میارن واسه توشیح‌اینجان!

حالا اینا همه به کنار، امان از دست بعضی‌ها! بیچارم کردن؛ لبخند می‌زنم می‌کن: چقدر بی‌خیال هستی رئیس! ترش می‌کنم، می‌نویسن: رئیس اخمو! گفتم: «رئیس‌جان، یه نفس تازه کن! این‌جوری که داری تخت‌گاز میری، یهویی باتاقان می‌زنی‌ها!»

گفت: «باتاقان چی‌چی، داداش؟ میل‌لنگم تاب برداشته!» گفت: مگه پودر رختشویی رو نمی‌گی؟! بدون اینکه خودمو مثل برخی از ورزشکارا توی بعضی مسابقات ببازونم، گفتم: اشتباه گرفتی! و گوش رو گذاشتم! از اون لحظه به بعد، یه دستم گوش‌ی تلفن ثابت بود، یه دست دیگه‌م گوش‌ی موبایل! دکمه آخر یقه پیراهنم رو هم منشی دفتر برام می‌پست! البته منشی آقا بود! خلاصه به یکی التماس می‌کردم: «بیا به مجموعه کمک کن»، به اون یکی می‌گفتم: «نخیر، پست خالی نداریم!» توی همون هفته اول زنگ زدم به رفقای سابق که: بابا ایها الناس، برسین به دادم! خلاصه از هر گوشه‌ای یکی از دوستان قدیمی رو پیدا کردم و در یه تعداد از کارشناس‌ای قدیمی اون فدراسیون ضرب کردم و یه جمع و تفریق و یه تقسیم نهایی... و خیلی سریع کابینه رو بستم. باری، به جون داداشم که تو باشی، هر روز صبح که چشم‌امو باز می‌کنم و دیگه واقعاً حوصله‌م سر می‌رفت.

از «میل‌لنگ تاب‌برداشته» تا «فدراسیون بی‌صاحب»؛

اعترافات رئیس سرگردان!

محمود کاتبی

میدون، با خودم گفتم بذار منم یه گوشه این ورزش رو بگیرم، هر کاری از دستم بریاد واسه خدمت انجام بدم. گفتم: حالا چجوری رئیس شدی؟! گفت: ای کاش قلم پام می‌شکست و یه قلم گوسفند می‌داشتم جاش! راستش رو بخوای یه شب فلانی زنگ زد بهم که: بهمانی! تو خطوریط خوبی داری، شیشه‌خورده هم نداری، بیا و جون مادرت مسئولیت یه فدراسیون بی‌صاحب رو قبول کن! بهش سروسامون بده! منم اولش ناز کردم و آخرش فاز دادم! فردای همون روز رفتم سر کار!

هنوز پامو توی اتاق ریاست نذاشته بودم که صدای زنگ تلفن دراومد. هول‌هولکی گوش‌ی رو برداشتم و مثل دوپلور آلن دلون گفتم: «بله، بفرمایید!» که یهو یه صدای زمخت از اون‌ور خط گفت: - مستقر شدی؟

عرض کردم: ببخشید، شوما؟ گفت: فرقی نمی‌کنه! گفتم: یعنی چی؟ گفت: مگه پودر رختشویی رو نمی‌گی؟! بدون اینکه خودمو مثل برخی از ورزشکارا توی بعضی مسابقات ببازونم، گفتم: اشتباه گرفتی! و گوش‌ی رو گذاشتم!

از اون لحظه به بعد، یه دستم گوش‌ی تلفن ثابت بود، یه دست دیگه‌م گوش‌ی موبایل! دکمه آخر یقه پیراهنم رو هم منشی دفتر برام می‌پست! البته منشی آقا بود! خلاصه به یکی التماس می‌کردم: «بیا به مجموعه کمک کن»، به اون یکی می‌گفتم: «نخیر، پست خالی نداریم!» توی همون هفته اول زنگ زدم به رفقای سابق که: بابا ایها الناس، برسین به دادم! خلاصه از هر گوشه‌ای یکی از دوستان قدیمی رو پیدا کردم و در یه تعداد از کارشناس‌ای قدیمی اون فدراسیون ضرب کردم و یه جمع و تفریق و یه تقسیم نهایی... و خیلی سریع کابینه رو بستم. باری، به جون داداشم که تو باشی، هر روز صبح که چشم‌امو باز می‌کنم و دیگه واقعاً حوصله‌م سر می‌رفت.

دیشب رئیس به من زنگ زد! نه خواب دیدم، نه هیچی؛ خیلی ریلکس و جنتلمن گفتم: فلانی، می‌خوام یه گفت‌وگوی خوب و سازنده باهات داشته باشم. به قول یه بنده خدایی که می‌گفت: گفت‌وگوی تمدنی! واقعیتش اینه که من شماره همراه ایشون رو ندارم، اما اینکه چطوری و از کجا شماره منو پیدا کرده، خیلی تعجب کردم؛ یحتمل یه کسی منو فروخته بود! بعد سلام و احوال‌پرسی، گفت: فلانی خیلی دلم گرفته. گفتم: از چی؟ گفت: بگو از چی؟ گفتم: از کی؟ گفت: از دست خودی‌ها! گفتم: وا! گفت: والله!

یه کم براش آسمون‌ریسمون بافتم، چند تا جوک بی‌مزه واسش تعریف کردم که یهو بغضش ترکید و زد زیر گریه! ای بابا، بی‌خیال جناب رئیس! شما که هزار ماشا‌الله، در برابر ناملایمات واسه بقیه الگوی لبخند و استقامت هستی! در حالی که یه دل سیر هق‌هق کرد، بالاخره به زبون اومد که: داداش، آخه نمی‌دونی تو این مدت چی کشیدم؟ چشم گرد شد، گفتم: ببخشید رئیس، مگه اهل کشیدن هم هستی؟! صدای لبخندش از اون‌ور توی گوشم پیچید که: آسکل! درد کشیدم!! می‌خوام واست درد دل کنم، شاید کمی سبک بشم! گفتم: داداش از من می‌شنوی، توی ورزش هیچ‌وقت خودتو «سبک» نکن! عینوه من که تو ورزش، یه عمری میرزاینبوس مفتکی شدم و صبحانه کاری‌ش رو فلانی با بهمانی خوردن و به ریش نداشتن من خندیدن. خدا بیامرزه ملا نصرالدین رو، هی بهم می‌گفت: مثل خر من، خر نشو! این‌قده مفتی زرن زن! ته تپش، سر و ته سوار ال‌لافت می‌کنن که فقط عنبر‌نساء بشمیری! گفتم: واقعیتش، تو خودت می‌دونی که من اهل شیشه‌پيله نیستم. اومدم وسط

وزیر دارایی روسیه اعلام کرد که این کشور در حال ایجاد سیستم تسویه حساب مشترک با چین است که به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد بدون نیاز به مراجعه به زیرساخت‌های مالی غربی فعالیت کنند.

آنتون سیلوانوف روز گذشته در حاشیه مجمع مالی مسکو (MFF) به خبرگزاری روسی ایژوستیا گفت: اگر سازوکارهای تسویه‌حساب غربی به روی ما بسته است، پس باید جایگزین

یاد و خاطره شهدا، به ویژه ۱۱محمود

حاحی‌آقازاده وحیدی ۱۱ که ۲۱ آذر ۵۹ به

مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرمای باد



سرمقاله

از شعار تا واقعیت؛

آیا دوران یکجانبه‌گرایی واقعاً تمام شده است؟

ایمان روزبنانی

دیدار اخیر مسعود پزشکیان با وزیر انرژی روسیه، در ظاهر یک نشست دیپلماتیک عادی در سطح رؤسای دولت و وزرای انرژی بوده؛ اما در متن آن، نشانه‌هایی از تحولی عمیق‌تر در نظم بین‌الملل به چشم می‌خورد. جمله کلیدی پزشکیان مبنی بر اینکه «دوران یکجانبه‌گرایی در دنیا به سرآمده است» تنها یک شعار سیاسی برای دلگرم کردن شرکای شرقی نیست، بلکه بازتابی از روندی است که طی دو دهه گذشته، بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بر آن تأکید کرده‌اند: پایان هژمونی بی‌چون‌وچرای قدرت‌های غربی و پیدایش یک جهان چندقطبی. این یادداشت می‌کوشد از دل همین اظهارات، تحلیلی ژرف‌تر ارائه دهد؛ تحلیلی که نشان می‌دهد چرا همکاری ایران و روسیه بیش از آنکه صرفاً اقتصادی باشد، بُعدی نمادین و ساختاری در برابر نظم پیشین دارد. اگرچه محور رسمی این دیدار، توافقی‌های دوجانبه در حوزه انرژی، نیروگاه‌ها و حمل‌ونقل عنوان شده، اما درواقع این همکاری‌ها حامل پیامی نمادین است. در جهان سیاست، انرژی همواره چیزی فراتر از یک کالای تجاری بوده است؛ از «سلاح نفتی» در دهه ۱۹۷۰ گرفته تا «دیپلماسی گاز» و «وسیه دردهم‌های اخیر، انرژی همواره ابزاری ژئوپلیتیک برای بازتعریف موازنه قوا بوده است. ایران و روسیه با تکیه بر منابع عظیم انرژی، عملاً می‌خواهند نشان دهند که حتی زیر فشار تحریم‌ها نیز می‌توان مسیرهای تازه‌ای برای توسعه یافت. درواقع، این همکاری‌ها را می‌توان تلاشی برای «بازسازی اعتماد متقابل» میان ملت‌هایی دانست که تجربه تاریخی مشابهی از مواجهه با هژمونی غرب داشت‌اند. در اینجا مفهوم «خودکفایی نسبی» نه به معنای بریدن از جهان، بلکه به معنای کاهش وابستگی به مرکز قدرت‌های یکجانبه‌گراست. همین نگاه است که پزشکیان را به سمت تأکید بر «الگوی همکاری‌های موفق کشورهای مستقل» سوق می‌دهد. با این حال پرسش اساسی آن است که آیا واقعاً دوران یکجانبه‌گرایی به پایان رسیده یا صرفاً وارد مرحله‌ای تازه شده است؟ نظریه‌پردازانی چون امانوئل والرشتاین در چارچوب «نظام جهانی» توضیح می‌دهند که قدرت‌های هژمونیک هرچند ممکن است افول کنند، اما مرکزیت و پیرامون همچنان در قالبی جدید بازتولید می‌شود. امروز، ایالات متحده شاید دیگر یگانه بازیگر مسلط نباشد، اما شبکه‌های مالی و فناوری آن همچنان در تار و پود اقتصاد جهانی حضور دارد. اینجاست که همکاری ایران و روسیه، اگرچه مهم است، اما تنها در صورتی می‌تواند به تغییر واقعی نظم جهانی بینجامد که فراتر از مناسبات دوجانبه برود و به ایجاد بلوک‌های پایدار چندجانبه بدل شود. در غیر این صورت، این تعاملات صرفاً واکنشی مقطعی به تحریم‌ها خواهد بود، نه راهی برای بازتعریف نظم جهانی. نزدیکی تهران و مسکو را می‌توان در بستر بزرگ‌تر «شرق‌گرایی اجباری» ایران تحلیل کرد. تحریم‌های غربی، ایران را عملاً به سمت شرکای شرقی سوق داده و روسیه، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و نیاز به متحدان در برابر ناتو، یکی از مهم‌ترین گزینه‌هاست. اما باید پرسید این الگو چه هزینه‌ها و چه دستاوردهایی دارد. تجربه تاریخی نشان داده است که انکلا صرف به یک قدرت جایگزین، خطر بازتولید همان وابستگی پیشین را دارد.

به بیان دیگر، اگر همکاری با روسیه تنها به معنای جایگزین کردن یک هژمونی با هژمونی دیگر باشد، شعار «پایان یکجانبه‌گرایی» تهی از معنا خواهد شد. استقلال واقعی، زمانی محقق می‌شود که ایران و دیگر کشورهای مستقل، شبکه‌ای متوازن از روابط چندجانبه ایجاد کنند، نه اینکه صرفاً از اردوگاهی به اردوگاه دیگر کوچ کنند. سخن پزشکیان درباره پایان یکجانبه‌گرایی، اگرچه پرطمطراق و آمیبدارکننده است، اما باید از سطح شعار عبور کند و در میدان عمل به اثبات برسد. جهان امروز در حال گذار است؛ گذار از هژمونی یقی‌بیب آمریکا به میدان پراشوبی از قدرت‌های متکثر. ایران و روسیه می‌توانند در این گذار نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند، اما به شرطی که همکاری‌شان صرفاً اقتصادی و مقطعی نباشد، بلکه بر مبنای شفافیت، اعتماد متقابل و ایجاد ساختارهای پایدار چندجانبه استوار شود. در غیر این صورت، آنچه «پایان یکجانبه‌گرایی» نامیده می‌شود، چیزی جز تغییر ماسک همان یکجانبه‌گرایی نخواهد بود؛ ماسکی که چه‌پایه‌ای تازه اما رفتاری آشنا دارد. و این همان نکته‌ای است که باید با قدرت و صراحت به سیاست‌گذاران گوشزد کرد: پایان واقعی یکجانبه‌گرایی تنها زمانی فرا می‌رسد که ملت‌ها خود را نه در موقعیت تابع، که در مقام شریک برابر درک کنند. وگرنه تاریخ بار دیگر با همان طنز تلخ همیشگی‌اش، تکرار خواهد شد.

روسیه: درحال ایجاد سیستم تسویه حساب مالی با چین هستیم

آن را ایجاد کنیم.

وی افزود: روسیه و چین در حال کار بر روی ایجاد سیستم جایگزین یورو کلیر و کلیر استریم به عنوان مأموریتی پیچیده اما بسیار مهم هستند.

وزیرداریای روسیه اظهار داشت: هدف این است که سرمایه‌گذاران بتوانند آزادانه اوراق بهادار را بدون هرگونه محدودیت یا مانع خریداری و نسبت به سرمایه‌گذاری در دو کشور اقدام کنند.

«استاندار» در گفت‌وگو با «دنیای هوادار» مطرح کرد؛

بوشهر در تلاقی توسعه و تاب‌آوری

این اعداد وقتی معنا می‌گیرند که در میدان تولید خون تازه بدوانند. به گفتهٔ استاندار، بوشهر در احیای واحدهای تولیدی تحت تملک بانک‌ها، بر اساس اعلام وزارت کشور، با امتیاز ۲۷/۵ رتبهٔ نخست کشور را کسب کرده است. در یک سال اخیر ۵۰ واحد را کد با رشد ۱۲۰ درصدی احیا شده و ۳۳۶ واحدی که زیر ظرفیت کار می‌کردند، با رشد ۲۸۰ درصدی به مدار بالاتری از بهره‌برداری رسیده‌اند. وی در پاسخ به پرسشی دربارهٔ چگونگی «رفع گلوگاه‌های اداری» گفت: بخشی از مشکل سرمایه‌گذار، نه پول، که زمان و پیش‌بینی‌پذیری است. برای همین با مشارکت اتاق بازرگانی، «مرکز خدمات سرمایه‌گذاری» را از دل ساختمان‌های دولتی بیرون کشیدیم و به فضایی مستقل منتقل کردیم تا جلسات «پنجره واحد» به‌صورت منظم، دبیرخانهٔ دائمی همایش‌های سرمایه‌گذاری، تدوین بسته‌های فرصت‌ها و نشست‌های تسهیلگری سمنشینه‌ها، همه زیر یک سقف جلو بروند؛ هدف روشن است: سرمایه‌گذار بداند کجا مراجعه کند، چه می‌خواهد، و چه زمانی پاسخ می‌گیرد.

از این نقطه، روایت اقتصادی استان چشم‌انداز ملموس‌تری پیدا می‌کند. وقتی احیای واحدهای راکد شتاب می‌گیرد، زنجیرهٔ تأمین، حمل‌ونقل، بیمه و حتی مهارت‌آموزی نیروی کار هم‌فعال می‌شوند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد احیای بنگاه‌ها اثر چندلایه دارد: نخست بار مالی پروژهٔ جدید را ندارد و سریع‌تر به اشتغال می‌رسد؛ دوم، اعتبار اجتماعی مدیریت را نزد کسب‌وکارهای محلی ارتقا می‌دهد؛ و سوم، سیگنال مثبتی برای سرمایه‌گذاران بیرونی می‌فرستد که «این اقتصاد می‌تواند پروژه را به مقصد برساند». همین منطق، تصمیم استان برای تکنیک نهادی خدمات سرمایه‌گذاری را قابل فهم می‌کند: شفافیت مسیر مجوز تا تأمین مالی، یعنی کاستن از اصطکاک و افزایش سرعت گردش سرمایه. با این همه، صرفاً تکیه بر سرمایه‌گذاری و احیای تولید، تصویر بوشهر جدید را کامل نمی‌کند. در سطح گفت‌مانی، مدیریت استان می‌کوشد پیوند صنعت-جامعه را دوباره برقرار کند؛ پیوندی که سال‌ها زیر فشار پروژه‌های بزرگ اما کم‌ارتباط با زیست مردم محلی، کهرنگ شده بود. استاندار در پاسخ به نده‌های اجتماعی افزود: اگر مردم حس کنند در تصمیم‌سازی‌ها حضور دارند و صدایشان شنیده می‌شود، مشارکت و نگهداری از پروژه‌ها هم مردمی‌تر می‌شود؛ از شوراهای محلی تا سازمان‌های مردم‌نهاد، همه حلقهٔ واسطی هستند که می‌توانند پروژهٔ صنعتی را به منفعت اجتماعی بدل کنند. می‌توان گفت مدیریت استان با دو اهرم هم‌زمان حرکت کرده است: اهرم نرم اعتماد اجتماعی که منابع سیاسی-اجتماعی توسعه را تأمین می‌کند، و اهرم سخت سرمایه‌گذاری و احیای تولید که منابع مالی و زیرساختی را به جریان می‌اندازد. اگر این دو اهرم هماهنگ بمانند، بازدهی حاصل، از جنس رقم‌های روی کاغذ نخواهد بود؛ در کیفیت زندگی، ثبات شغلی، و پیش‌بینی‌پذیری آیندهٔ اقتصادی خانواده‌ها قابل لمس می‌شود. مسیر اما هنوز تازه است و برای ماندگاری، به استمرار همان چیزی نیاز دارد که استاندار از آن شروع کرد: گفت‌وگوی شفاف، تصمیم‌های مقتصدانه و نهادهی‌سازی تسهیلگری؛ یعنی حکمرانی‌ای که به جای توضیح‌دادن توسعه، امکان‌پذیرش می‌کند.

اگر دربخش نخست، کانون روایت بر «اعتماد اجتماعی» و «سرمایه‌گذاری» استوار بود، در این بخش مسیر به سوی دو میدان چالش‌برانگیزتر می‌رود: مرزها و معیشت مردمان آن، و اشتغال جوانان در سایه صنایع بزرگ. اینجا، پرسش از توسعه دیگر صرفاً پرسش از آمار و پروژه نیست، بلکه سرزوشش روزانه هزاران خانواده‌ای است که یا به تلننجی و تجارت مرزی زیست می‌کنند یا در جوار بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های گاز و نفت کشور همچنان بی‌کار می‌مانند.

استاندار بوشهر در پاسخ به این مسئله با تأکید گفت: آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی قانون ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی (کولبری و مولانی) در بهمن ۱۴۰۳ تصویب شد و برای نخستین بار روهبای که دهها به صورت سنتی و بدون چارچوب ادامه داشت، قانونمند گردید. وی افزود این قانون نه فقط ابزاری برای ساماندهی لنجداران و بازاریان، بلکه ظرفیتی برای توسعه اقتصادی و استقلال پایدار مرزنشینان است. به گفتهٔ او، در چند ماه گذشته با همکاری مستمر بخش خصوصی، مدیران ملی و استانی و صدور بخشنامه‌های متعدد، بخش زیادی از ابهامات رفع شده و امور روان‌تر پیش می‌رود. هرچند هنوز کاستی‌هایی وجود دارد که باید بر اساس واقعیت‌های میدانی اصلاح شود.

در حقیقت، آنچه در نگاه اول یک «قانون تجاری» به نظر می‌رسد، در لایه‌های پنهان‌تر یک طرح اجتماعی-امنیتی نیز هست. کاهش فعالیت خودروهای شوتی، افزایش رونق بازارهای محلی، تزریق اعتبارات اشتغال‌زا و حتی بازگشت ۶۰ درصد درآمد‌های ناشی از این تجارت به خود استان، همه نشان از این دارد که قانون تلننجی می‌تواند نقش یک موتور محرک در تقویت معیشت،

تسویه‌حساب مالی در دسترس ما نیست و بنابراین ما در حال ایجاد ابزار خودمان هستیم.

گفتنی است، پس از آغاز عملیات نظامی روسیه در اوکراین در اسفند ۱۴۰۰ که مسکو آن را به دلیل بی‌توجهی غرب به نگرانی‌های امنیتی خود عنوان کرد، کشورهای غربی حامی کی‌یف تاکنون افزون بر ۳۰ هزار تحریم علیه نهادها و شخصیت‌های حقوقی و حقیقی روسیه اعمال کرده‌اند.



رویداد

داستان جلد



بخشی از این پروژه‌هاست. مهم‌تر از همه، لایروبی کانال ورودی بندر بوشهر است که امکان پهلوگیری کشتی‌های بیش از ۳۵ هزار تن را فراهم می‌کند؛ گامی که بوشهر را به بازیگری تازه در معادلات دریایی منطقه بدل می‌سازد. وی در ادامه افزود: رکورد تخلیه و بارگیری ۶.۵ میلیون تن کالا در سال گذشته، ترانزیت بیش از یک میلیون تن مشتقات نفتی و افزایش ظرفیت بندر از ۷ به ۸ میلیون تن، نشانه‌هایی است که هدف ۱۵ میلیون تن در فازهای بعدی را دست‌یافتنی می‌کند. خط مستقیم کشتیرانی کانیتیرنی بوشهر[] جبل‌علی، استان را به دروازه‌ای برای ارتباط با امارات بدل کرده و معرفی بوشهر به‌عنوان «معین تجاری» قطر و توان بالقوه بندر کنگان برای عرستان، بعد منطقه‌ای این تحولات است. در کنار آن، استقرار شاورهای پایش و آتش‌خوار، رفع نقاط کور ساحلی و مقابله با آلودگی‌های نفتی، بُعد ایمنی این توسعه را تکمیل کرده است.

در حقیقت، پروژه‌های بندری بوشهر فقط عملیات عمرانی نیستند؛ آن‌ها ستون‌های ژئوپلیتیکی‌اند که موقعیت ایران در خلیج فارس را بازتعریف می‌کنند. بندر دیر به قطر نزدیک‌تر است تا به تهران؛ و این یعنی هر اسکله و هر خط کشتیرانی، نه فقط در ترازنامه اقتصادی، که در توازن منطقه‌ای هم اثر می‌گذارد. در کنار بنادر، استاندارد از صنایع کوچک به‌عنوان «محرک اقتصاد و اشتغال» یاد کرد. او توضیح داد که دو همت از محل سفر ریاست‌جمهوری برای تکمیل و سرمایه در گردش این صنایع تخصیص یافت و نزدیک به یک همت آن به بانک‌ها معرفی شد. تقویت پست برق شهرک صنعتی بوشهر۲، توسعه شهرک صنعتی برازجان و زیرساخت‌های آب و گاز بخشی از این تلاش‌ها بوده است. وی افزود: تشکیل نخستین کنسرسیوم صادراتی خرمای استان و حمایت از حضور آن در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، نمونه‌ای است از تغییر رویکرد صنایع کوچک؛ از تولید صرف به سمت برندسازی و بازاریاسازی؛ اما در اقلیم خشک جنوب، هیچ توسعه‌ای بدون آب پایدار نمی‌ماند.

استاندار در پاسخ به پرسشی درباره آب‌شیرین‌ک‌ها گفت: هفت سایت نمک‌زدایی با ظرفیت ۱۱۷،۷۵۰ مترمکعب در شبانه‌روز در حال ساخت است که تا ۱۴۰۶ به بهره‌برداری می‌رسند. وی افزود حجم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این حوزه ۸،۳۵۰ میلیارد تومان برآورد شده و با اجرای این طرح‌ها، ظرفیت شیرین‌سازی استان بیش از دو برابر خواهد شد. در کنار آن، شش سد بزرگ با مجموع ظرفیت ۵۰۰ میلیون مترمکعب و اعتبار ۱۲ هزار میلیارد تومان در برنامه قرار دارد.

برای بوشهر فقط یک نیاز حیاتی نیست؛ محور امنیت اجتماعی است. وابستگی ۵۵ درصدی آب شرب استان به منابع خارج، آسیب‌پذیری‌ای ایجاد کرده که با هر تنش یا بحران، زندگی روزمره را تهدید می‌کند. ورود آب‌شیرین‌ک‌ها و سدهای بزرگ به مدار، یعنی تغییر معادله وابستگی به خودکفایی نسبی. از آب به بحران‌های طبیعی گذر می‌کنیم. استان بوشهر همواره در معرض سیلاب‌های فصلی، طوفان‌های دریایی و خشکسالی‌های ممتد بوده است. استاندارد در این زمینه گفت: مدیریت منابع آب سد رئیسعلی دلواری و ساخت سدهای دالکی، دشت پلنگ، باغان و باهوش در دست اقدام است. وی افزود تاکنون ۶۹ درصد واحدهای روستایی مقاوم‌سازی شده و با تحقق سهمیه اmsال این رقم به ۷۴ درصد می‌رسد. ایمن‌سازی ۷۹ روستا، تأمین ماشین‌آلات آواربرداری و درخواست ۵۰۰ فقره کمک بلاعوض برای اقشار آسیب‌پذیر، بخشی از اقدامات در حوزه تاب‌آوری است. علی‌ایحال؛ در این گفت‌وگوی مفصل، تلاش شد تا شمایل کلی و منطبق با واقعیتی از امروز بوشهر ترسیم شود: ازساخت اعتماد و گفت‌وگو، استان تلننجی قانونمند و اشتغال بومی، استان بنادر استراتژیک و صنایع کوچک، استان آب‌شیرین‌ک‌ها و سدهای بزرگ، استان جنگل‌های مانگرو و کلاس‌های نوساز. به بیان دیگر، بوشهر می‌کوشد میان توسعه صنعتی، عدالت اجتماعی و حفاظت محیط زیست توازنی برقرار کند؛ توازنی که اگر بدرستی ادامه یابد، می‌تواند این استان را نه فقط قطب انرژی و تجارت، که الگویی از حکمرانی متوازن در ایران معاصر سازد.



شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۹۴

دومین مرحله مسابقات رتبه‌بندی (رنکینگ) نونهالان کشور به میزبانی استان زنجان در حالی به کار خود پایان داد که چهار نفر از ورزشکاران البرزی در این رقابت‌ها بر سکو ایستادند.

رییس هیات تیراندازی با کمان البرز شامگاه پنجشنبه گفت: "رادین طالبی" کماندار ۱۳ ساله البرزی که بیش از چهار سال است در این رشته فعالیت می‌کند موفق شد در رقابت‌های

ریکرو کشور رتبه نخست را کسب کند.

"بهزاد پاکزاد" افزود: طالبی هشت عنوان قهرمانی و ۲ عنوان نایب قهرمانی دارد و اکنون در اردوی تیم ملی نوجوانان نیز حضور دارد.

وی تصریح کرد: "راتین کشوردوست" نیز در بخش ریکرو موفق به کسب عنوان سوم شد.

پاکزاد خاطر نشان کرد: کشوردوست کماندار ۱۴ ساله البرزی

درخشش کمانداران البرز در مسابقات رتبه‌بندی کشور

که حدود چهار سال است که در این رشته فعالیت می‌کند بیشتر در رقابت‌های انتخابی تیم ملی جایگاه دوم را کسب کرد.

وی تصریح کرد: مقام سوم در رنکینگ‌های کشوری در اراک، زنجان، و همدان نیز از جمله افتخارات این کماندار البرزی است.

راتین کشوردوست در سه دوره از مسابقات استانی مقام اول

دنیاکه‌وادار

از «البرز» چه خبر؟

امام جمعه کرج: وحدت حول ولایت فقیه رمز پیروزی در مقابل دشمنان است



است و اکسیر اعظم دشمنان، ایجاد تفرقه و نفاق است که ملت ایران در برابر آن ایستاده است.

اهمیت والای نظام تعلیم وتربیت

آیت الله حسینی همدانی با تبریک فرا رسیدن سال تحصیلی جدید و زمان بازگشایی مدارس بیان کرد: این روزها فرصت مغتنمی است برای توجه به تعلیم، تعلم، تربیت معلم و دانش‌آموز و مدرسه. هر چه برای آموزش و پرورش هزینه شود، سرمایه‌گذاری است و اگر مسوولان به این توجه می‌کردند، بسیاری از مسائل مرتفع می‌شد.

امام جمعه کرج تأکید کرد: اهمیت مدارس در ساختن آینده کشور است و باید با برنامه‌ریزی دقیق هر مدرسه به یک ایران کوچک تبدیل شود.

آیت الله حسینی همدانی همچنین به بیانات مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: اولویت نظام اسلامی امروز تحول و بازسازی عرصه تعلیم و تربیت است و مسوولان استانی نیز باید دقت لازم را داشته باشند.

پرهیز از تعصب و خودپسندی

نماینده ولی فقیه در استان البرز و امام جمعه کرج با اشاره توطئه‌های دشمنان اسلام علیه کشورمان به ویژه در دوران جنگ هشت ساله و حوادث اخیر گفت:

وحدت و همدلی مردم و مسوولان حول ولایت فقیه و رهبری معظم انقلاب رمز پیروزی بر دشمنان است.

آیت الله «سید محمد مهدی حسینی همدانی « در خطبه های این هفته نماز جمعه کرج به ۲ موضوع کلیدی حوادث هشت سال جنگ تحمیلی و حمایت های جبهه استکباری از صدام و جنگ ۱۲ روز ه و موضوع اول سال تحصیلی پرداخت و بیان کرد: در سال‌های اخیر جریان خاصی با ایجاد شبهه و سیانمایی به بخشی از وقایع جنگ هشت ساله حمله کرده‌اند و در این بخش نیز دشمنان علیه ملت ایران انواع سمپاشی به راه انداختند.

امام جمعه کرج افزود: ایجاد تفرقه در بین نیروهای نظامی و شبهه‌افکنی از اهداف دشمن بوده است که همواره توسط نیروهای انقلاب خنثی شده است.

آیت الله حسینی همدانی درباره نقش آمریکا در حمایت از صدام گفت: بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شاه با نقشه آمریکایی‌ها به سلطنت برگشت و تمام امور به آمریکایی‌ها سپرده شد. وابستگی شدید به آمریکا باعث شد تا سال‌ها تصور شود ایران نمی‌تواند بدون کمک آنها بجنگد.

وی بیان کرد: دشمنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تصور ناتوانی ایران چراغ سبز به صدام دادند تا به ایران حمله کند؛ درواقع جنگ تحمیلی هشت ساله ، جنگ احزاب بود و ایران از ۱۳ ملت مختلف اسیر گرفت و تجهیزات دشمن از ۴۴ کشور به دست آمد.

خطیب جمعه کرج با اشاره به اسناد همکاری سازمان سیا با صدام افزود: رابطه صدام با آمریکا از سال‌های قبل از جنگ هشت ساله آغاز شده بود و صدام به عنوان دیکتاتوری دست‌نشانده آمریکا به قدرت رسید. حسینی همدانی با اشاره به فرمایشات مقام معظم

گیلان

«امام جمعه آستارا»:

امیدآفرینی باعث شکست

دشمنان می‌شود

امام جمعه آستارا گفت: امید آفرینی و ایجاد نشاط اجتماعی باعث شکست توطعه‌های دشمنان ایران اسلامی خواهد شد.

حجت الاسلام محمدرضا طالحیان در خطبه‌های نماز جمعه شهرستان آستارا با بیان اینکه امید آفرینی، بیان نقاط قوت و توانمندی‌های کشور کلیدی ترین اقدام در برابر خود تحقیری ها و ناامیدی ها است، اظهارکرد: امید آفرینی به معنای نادیده گرفتن مشکلات نیست و مقام معظم رهبری دربیانات خود ضمن امیدآفرینی نقاط ضعف به نیز بیان می‌کنند که توصیه‌های رهبر انقلاب اسلامی به هیئت دولت نمونه‌ای از امید آفرینی در عین حال توجه به مشکلات است.

امام جمعه آستارا با بیان اینکه مقام معظم رهبری محترمانه از دولت مردان خواستند راوی عزت باشند نه راوی ذلت و این جمع بین امید آفرینی و نقد است و دولت باید بداند آمده که مشکلات را برطرف کند نه اینکه مشکلات را به مردم بشمارد، افزود: مشکلات همیشه بوده، و خواهد بود. یک مشکل بر طرف شود مشکل دیگر خواهد بود. مهم این است که مردم ببینند مسئولان اجرایی پیگیر هستند.

خطیب جمعه آستارا با گرامیداشت هفته دفاع مقدس، به دلایل جنگ تحمیلی اشاره کرد و ادامه داد: ضعف داخلی ایران و مدیریت ضعیف بنی‌صدر، ناهماهنگی در رأس فرماندهی و عدم آمادگی نظامی یکی از عوامل جنگ تحمیلی است و بنی صدر نقشی مهمی در تضعیف توان دفاعی کشور ایفا کرد.

حجت‌الاسلام صالحیان علت اصلی و ریشه‌ای حمله به ایران را عظمت و ابهت انقلاب اسلامی و ترس و خصومت قدرت‌های خارجی و وحشت استکبار از گسترش انقلاب اسلامی دانست و وقوع یک انقلاب مردمی، دینی و ضداستکباری در ایران، قدرت‌های مسلط جهان (آمریکا و اروپا) را به وحشت انداخت، گفت: رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی هشت ساله و رژیم صهیونیستی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با جنگ نیابتی و با تحریک و تجهیز استکبار برای سرنگونی انقلاب اسلامی به ایران حمله کردند اما هر دو شکست خوردند.وی با بیان اینکه جاملطبی و اشتباه محاسباتی صدام و طمع باج‌گیری از ایران با تصرف بخشی از کشور و ربضای رهبری جهان عرب از دیگر عوامل حمله به ایران بود، بیان کرد: ایران هم در جنگ تحمیلی و هم در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ثابت کرد، آغازگر هیچ جنگی نیست اما اگر دشمن تجاوز کند، دهان او را خرد می‌کند. چه صدام باشد، چه ترامپ چه نتانیاهو.



مدیرکل دفتر نوسازی و تحول اداری شهرداری کرج با اشاره به آخرین بروزرسانی چارت سازمانی شهرداری کرج که به چندین سال قبل بازمی‌گردد، بر لزوم بازنگری این چارت تأکید کرد.
در جلسه بررسی تغییرات مظاهر سعیدی سیریلی در ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری ساختار اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری کرج که با حضور محمدجلال سبزی مدیر این اداره کل

هنرمندان و ورزشکاران نامی کشورمان در کمالشهر برگزار شد تا هم یاد و خاطره شهدا و رزمندگان را گرامی بداریم و هم فضایی سرشار از پویایی برای شهروندان عزیزمان فراهم آوریم.

حضور ستارگان هنر و ورزش

نقطه عطف این برنامه فرهنگی و ورزشی، حضور چهره‌های نام آشنای هنر و ورزش بود. حسن ربیوندی، هنرمند طنزپرداز با اجرای پرنشاط خود خنده را بر لبان حاضران نشاناد و ورزشکارانی چون نیما نکی‌سام به شور این همایش افزودند. همچنین، گروه سرود «نجم‌الثاقب» که مورد تجلیل مقام معظم رهبری قرار گرفته‌اند، با اجرای خود جلوه‌ای معنوی به این رویداد بخشیدند.

رییس شورای اسلامی شهر کمالشهر با بیان اینکه کمالشهر با جمعیتی حدود ۲۵۰ هزار نفر، ظرفیت های بالایی برای رویدادهای اجتماعی دارد، خاطرنشان کرد: شهرداری و شورای شهر کمالشهر همواره تلاش کرده‌اند با اجرای برنامه‌های ترکیبی فرهنگی و ورزشی، علاوه بر ارتقای سرانه‌های ورزشی و توسعه فضای سبز، گام‌های موثری در راستای نشاط اجتماعی و امیدآفرینی مورد تأکید مقام معظم رهبری بردارند.

بهرامی در ادامه به اقدامات انجام شده در حوزه توسعه زیرساخت‌های ورزشی اشاره کرد و خبر داد: تاکنون چندین سالن ورزشی در مناطق مختلف کمالشهر افتتاح شده یا

تغییر ساختاری چارت سازمانی در دستور کار است

برگزار شد، افزود: برای اصلاح این چارت مشاوری به کار گرفته شده و چندین جلسه متوالی برگزار شده است. سعیدی اضافه کرد: در این موضوع به دنبال چابک‌سازی اداری، ایجاد سامانه‌های آنلاین و برون‌سپاری به بخش خصوصی هستیم تا بتوانیم ضمن تکريم بهتر ارباب رجوع، افزایش سرعت و کیفیت در خدمات‌رسانی به شهروندان را به همراه داشته باشیم. وی با بیان اینکه اصلاح چارت سازمانی متناسب با نیازها، ظرفیت‌ها و ضوابط اداری انجام می‌گیرد، شایان‌الذکر کرد: در نهایت تلاش ما اصلاح ساختار متناسب با چارت تشکیلاتی است که سازمان همیاری شهرداری‌ها مصوب کرده است. این مسئول ادامه داد: امید می‌رود در این فرایند اصلاح

را کسب کرده و در مسابقات کشوری نوجوانان به میزبانی اراک نیز در جایگاه چهارم ایستاده است.

وی تأکید کرد: ستاری ۱۴ سال سن دارد و حدود سه سال است که در این رشته فعالیت می‌کند؛ همچنین در ۲ دوره از مسابقات کشوری به میزبانی اراک مقام‌های اول و سوم، در مسابقات اصفهان مقام دوم و در مسابقات زنجان نیز مقام دوم را کسب کرده است.

در شهر

مکت

کرج و ابرپروژه‌ها: میان ویتربین قدرت و نیاز شهروند؛

آینده‌ای بر فراز پیل‌ها

نگار سلحشور

چهارمین کلان‌شهر ایران، در سال‌های اخیر به صحنهٔ جدالی پرتنش میان امید و یأس بدل شده است؛ شهری که سال‌ها با بحران ترافیک، کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی و فرسایش کالبد شهری دست به گریبان بوده، حالا با دو «ابرپروژه» مهم یعنی آزادراه شهید سلیمانی و قطار شهری، وارد فصلی تازه از سازندگی شده است. پرسش اصلی اینجاست: آیا تکمیل چنین پروژه‌هایی به معنای پایان بحران‌های ساختاری است یا تازه آغازی است برای ورود به سطحی دیگر از الزامات مدیریت شهری؟ وقتی شهردار کرج از «توقف‌ناپذیری سازندگی» سخن می‌گوید، این ادعا در بستر فشارهای اقتصادی، جنگ‌های فرساینده و ساختارهای ناکارآمد بودجه‌ای چه معنایی دارد؟ پاسخ به این پرسش نیازمند نگاهی تحلیلی به نقش ابرپروژه‌ها در حیات شهری و نسبت آنها با حکمرانی شهری در ایران است.

ابرپروژه‌ها و سیاست نمایشی توسعه

تاریخ شهرسازی معاصر ایران بارها نشان داده که پروژه‌های عظیم عمرانی، فارغ از کارکرد فنی، بار سیاسی و نمادین هم داشته‌اند. آزادراه شهید سلیمانی با پل مرتفع بیلقان که از آن به‌عنوان «شاهکار مهندسی ایران» یاد می‌شود، نه فقط گرهی از ترافیک تهران - کرج می‌گشاید، بلکه به نمایش توان مهندسی و مقاومتی بدل می‌شود که در برابر فشارهای خارجی قد علم کرده است. همین‌طور، قطار شهری کرج پس از دو دهه کش‌وقوس، بالاخره به متروی تهران متصل شد؛ رخدادی که به‌عُمایهٔ تحقق وعدهٔ دیرینه، بارنمادین «پیوستن به پایتخت» را بر دوش دارد، اما مسئله آنجاست که این نمادها اغلب با منطق «پروژه‌محور» مدیریت شهری گره می‌خورند؛ منطقی که شهر را مجموعه‌ای از پروژه‌های مقطعی می‌بیند، نه یک زیست‌جهان انسانی با نیازهای نرم‌افزاری و اجتماعی. جامعه‌شناسان شهری بر این نکته تأکید دارند که هر ابرپروژه‌ای اگر در بستر عدالت فضایی، مشارکت شهروندان و توازن میان شمال و جنوب شهر قرار نگیرد، تنها به «ویتربین توسعه» بدل می‌شود؛ ویتربینی که گاه از درون خالی است.

فراتر از بتن و فولاد

اینکه شهردار کرج می‌گوید «سازندگی شهر هرگز متوقف نمی‌شود» در ظاهر امیدبخش است؛ اما اگر این «سازندگی» صرفاً به معنای تکمیل تقاطع‌ها، آزادراه‌ها و پل‌ها باشد، به‌زودی با همان تناقضی روبه‌رو می‌شویم که بسیاری از کلان‌شهرهای ایران تجربه کرده‌اند: افزایش زیرساخت‌ها بدون کاهش واقعی نابرابری‌ها.

کرج شهری است که از یک‌سو نیازمند حمل‌ونقل عمومی کارآمد و کاهش ترافیک است، و از سوی دیگر با بحران مسکن، کمبود فضاهای عمومی، و فرسودگی بافت‌های قدیمی دست‌وپنجه نرم می‌کند. توسعه‌ای که صرفاً بر بتن و فولاد متمرکز شود، دیر یا زود به دیوار سختی می‌خورد: دیوار «اجتماع». فلسفهٔ شهر مدرن به ما یادآوری می‌کند که شهر نه فقط مجموعهٔ خیابان‌ها و پل‌ها، بلکه صحنهٔ زیست مشترک شهروندان است. اگر پروژه‌های عظیم در خدمت کیفیت زندگی نباشند، کارکردشان به همان اندازه محدود می‌شود که یک مجسمهٔ بزرگ در وسط میدان؛ چشم‌گیر اما بی‌اثر در زندگی روزمره.

شتاب سازندگی یا سیاست بقا؟

در متن رسمی شهرداری، بارها به مفهوم «امیدبخشی» در برابر «یأس‌پراکنی دشمن» اشاره شده است. این واژگان نشان می‌دهد که سازندگی در کرج صرفاً پروژه‌ای عمرانی نیست، بلکه به سیاست بقا در سطح ملی گره خورده است. اما اقتصاد سیاسی پروژه‌ها حکایت دیگری دارد: آزادراه‌ها و متروها با سرمایه‌های هنگفت، وام‌های بانکی، پیمانکاران و گردش‌های مالی کلان همراه‌اند. در چنین بستری، هر پیشرفت عمرانی، هم محصول همبستگی اجتماعی است و هم می‌تواند بستری برای رانت و انباشت نابرابر سرمایه باشد.

شهروند کرجی که هر روز در ترافیک گیر می‌کند یا ماه‌هاست در انتظار خانه‌ای با قیمت مناسب است، نسبت به این سازندگی قضאותی دوگانه دارد: از یک سو قدردان پیشرفت‌های عینی است و از سوی دیگر می‌پرسد چرا کیفیت زندگی‌اش تغییر ملموسی نکرده است.

تجربهٔ کرج در سال‌های اخیر نشان داده که تکمیل ابرپروژه‌ها پایان کار نیست، بلکه تازه آغاز پرسش‌های بزرگ است. پرسش‌هایی از جنس عدالت شهری: آیا پل بیلقان فقط شمال کرج را نجات می‌دهد یا برای کارگران جنوب شهر هم معنایی دارد؟ آیا اتصال به تهران، کرج را به خوابگاه پایتخت بدل می‌کند یا به استقلال حمل‌ونقل شهری کمک خواهد کرد؟ و مهم‌تر از همه: آیا «یک‌هزار پروژه عمرانی» در نهایت به بهبود اعتماد عمومی می‌انجامد یا تنها به آمارهای سالانه اضافه می‌شود؟ اگر قرار است سازندگی چکبده‌ای از مقاومت و امید باشد، باید در لایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز بازتاب یابد. شهری که در آن مردم، نه صرفاً ناظر، بلکه شریک سازندگی باشند. در غیر این صورت، هرچند پل‌ها ساخته شوند و متروها به حرکت درآیند، شهر همچنان در ترافیک بی‌اعتمادی و نابرابری متوقف خواهد ماند. این همان ضربه کوبنده‌ای است که در پایان باید به خودمان بزنیم: سازندگی اگر در خدمت زندگی نباشد، چیزی بیش از یک روایت پرمطراق عمرانی نخواهد بود.

مارتین اسکورسیزی با حضور لئوناردو دی‌کاپریو و جنیفر لارنس فیلم بعدی‌اش با عنوان «چه اتفاقی در شب می‌افتد» را کارگردانی خواهد کرد. اسکورسیزی، کارگردان برنده اسکار، تکلیف کار بعدی‌اش را روشن کرد؛ اقتباسی از رمان داستان

ارواح «چه اتفاقی در شب می‌افتد» با بازی لئوناردو دی‌کاپریو و جنیفر لارنس. شرکت اپل اورجینال فیلمز تأمین مالی و تهیه‌کنندگی فیلم را با استودیوکانال انجام می‌دهد. استودیوکانال در سال ۲۰۲۳ حق ساخت سینمایی

کنکاشی بر زردپای شهر در آثار دههٔ هفتادی مارتین اسکورسیزی؛

در حال‌وهوای نیویورک

چون جبهه‌های جنگ به دل خیابان‌های شهر می‌زند. حتما نیویورک قبل از جنگ ویتنام با نیویورک بعد از جنگ توفیر دارد و متعاقب آن حتما ماهیت آدم‌های شهر قبل و پس از ترومای جنگ نیز تغییرات شگرفی کرده است. لاجرم زخم ویتنام روی چهره شهر نمایان است؛ و البته روی روح آدم‌هایش. پشت ظاهر آرام تراویس آن زخم‌ها پنهان شده است. تشویش خواب را از چشمان او ربوده است. مگر نه‌اینکه هرکسی فکری به سر دارد، شب‌ها خواب ندارد؟ پیش‌ترها شب‌های شهر مأمَن بندهای گنگستری بوده. هرچند زمانه تغییر کرده است و آن بدکاران جانی کمتر آفتابی می‌شوند اما مکان‌ها نیز می‌توانند در بند قوانین نیوتن گرفتار آیند. پایستگی آلام، بی‌قراری‌های شهر را به صورت‌های دیگر تبدیل کرده است. حال و روح جنگ‌زده‌ها سوغات تراویس از ویتنام است. هنوز تهمانده‌ای از دیروز شهر کنج افکارش مانده است. تعلیمات مذهبی و نمو در فرهنگ ایالات متحده تراویس را به گناه حساس کرده است. خانواده برایش مقدس است. تراویس جبهه‌ها را دیده، آمریکای پیش از جنگ را درک کرده و از آدم‌های توی وسترن برای خودش قهرمانی گزیده. اما نیویورک خالی از نجابت اسب‌هاست. از این‌سان، تاکسی زردفام هم‌رکاب تراویس در پرسه میان خیابان‌هاست. میدان تایمز نقطهٔ اقدام است، جایی که ایزی/آیریس تنش را به حراج گرگ‌ها گذاشته و افکار مغشوش توام با عذاب را به تراویس سرایت داده است.

در صحنه‌ای که تراویس به بتسی تلفن می‌زند تا بابت ماجرای سینما او از دلجویی کند دوربین رفته‌رفته عقب می‌نشیند تا به دالانی خالی می‌رسد. انتهای راه‌رو خیابان است ولی هیچ‌کس در خیابان منتظر تراویس نیست تا از این منظر شکستی اجتماعی را به او وصله کند. اگر پیوندهای شهری فضاهای اجتماعی را می‌سازند و راننده تاکسی لاجرم با فضاهای اجتماعی سروکار دارد اما تراویس با هرگونه ارتباط بیگانه است. او از تمام علقه‌ها بریده است، بنابراین در پاسخ متصدی استخدام عنوان می‌کند که در هر زمان و هر مکان کار خواهد کرد حتی در تعطیلات. در لحظاتی که صحنه‌های جنسی درحال پخش روی پرده سینما است، تراویس چنان جزیره‌ای تک‌افتاده درون صندلی‌اش فرورفته است. تراویس در محیط ایزوله تاکسیٔ خود را از سایر ساکنان شهر دور نگه می‌دارد، همچنان که از همکارانش هم کناره می‌گیرد. آینه عقب تاکسی برای تراویس حکم برجک دیده‌بانی را دارد. تراویس از آینه مسافرین را می‌پاید و شهر را همراه متعلقاتش نظاره می‌کند. از نقطه‌دید او جهان بیرون در ابعاد آینه عقب سواری‌اش است. این V.O.P تنگ و آن فضاهای اکسپرسیونیستی تاریک محصول هم‌دستی نیویورک با یک نیویورکی دیگر در قامت کارگردان است. اینگونه اسکورسیزی جوان ماهیت یک وسترن شهری را برای راننده تاکسی فراهم می‌آورد و گیرکردن در تنگنای نماها، کلاستروفوبیا را به تراویس القا می‌کند. اگر کارگردان بواسطهٔ جبهه‌های ویتنام ماقبل از شروع فیلم خشونت را در نهاد تراویس زنده نگه داشته است، لیکن از قِبل طردشدن نزد سایرین خشونت را به چاشنی پارانویا مسلح می‌کند. مراعات نظیر پارانویا و شدت خشونتی که گریبان تراویس را گرفته است در خرید وسواس‌گونه اسلحه‌ها و همچنین قصد ترور پالانتین بدون پیش‌زمینه قبلی به‌چشم می‌آید؛ هرچند سیاسیونی که دیروز در تأیید اعمال خشونت در جبهه‌های جنگ مشوق سربازان بودند، امروز خشونت در شهر را تقبیح می‌کنند.

سه / میراث خیابان‌ها

گسترش شهرها، از اسباب تنوع فیلم‌ها بود. سازه‌های فیلم‌ها عمدتاً روی دوش روایت‌ها، داستان‌ها، کاراکترها و موقعیت‌ها قرار می‌گرفت. اگر فیلم‌ها در دالان زمان روایت می‌شدند، اما برای عینیت‌بخشیدن به روایتشان محتاج مکان بودند، مکانی برای افتادن اتفاق‌ها. و اتفاق‌ها منبعث بود از زندگی روزمره آدم‌ها. پذیرش شهریت افراد به‌اثانی تنوع گفتمان سینما در فیلم‌ها بروز داشته است. درواقع، شهریت و سینما دوشادوش یکدیگر فرم‌های پیشین را تعالی داده‌اند. گذر زمان گواهی است بر این بازسازی ققنوس‌فام. از این حیث چهارچوب‌های ذهنی هنرمند از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها می‌شیند. گویی جز خون هیچ حلالی نمی‌تواند روح شهر را از فاضلاب‌ها تمیز کند.

راننده تاکسی (۶۷۹۱)از جهان غریبی می‌آمد، که

متعلق به لحظه نیست. راننده تاکسی پرت‌های جذابی است از جهان فیلم‌های تنهایی. جهانی که از دیرباز تا همین حالا دامن‌ا درحال تکثیر و تکرار صورت‌های مختلف است. تراویس خود را مرد تنهای خدا می‌داند. او از لحظاتی نامعلوم در جنگ ویتنام آمده. زد جنگ را با خود دارد. هر شب اورکتش را تنش می‌کند و

اسکورسیزی با دی‌کاپریو و جنیفر لارنس برمی‌گردد

از این رمان تحسین‌شده به قلم پیتر کامرون را به دست آورد. پاتریک مایر که نامزدی اسکار را برای «یادداشت‌هایی بر یک رسوایی» در کارنامه دارد، فیلم‌نامه اقتباسی این فیلم را خواهد نوشت. حضور دی‌کاپریو و لارنس ۲ برنده جایزه اسکار، اعتبار این

پروژه را افزایش می‌دهد.

داستان کامرون درباره یک زوج آمریکایی است که برای به فرزندی پذیرفتن یک نوزاد به یک شهر عجیب و برفی اروپایی سفر می‌کنند. این سفر دشوار است زیرا زن با سرطان دست و پنجه نرم می‌کند و شوهرش

فرهنگ

دست‌به‌نقد



انسانی گشوده بود، لیکن یکی تراویس بیکل را خلق می‌کرد تا منجی شهر گردد و آن دیگری آلوی سینگر را مأمور نجات خودش و آنی هال کرده بود. اگرچه قریب به دو دهه به درازا انجامید اما نیویورک بعدها دستمایهٔ فیلمی شد که هر دو کارگردان را در کنار فرانسیس فوردکوپولا ذیل یک تیتراژ آورده بود. قیاس سبکی دو کارگردان را در فیلم سه اپیزودی و مهجور داستان‌های نیویورک (۹۸۹۱) می‌توان مشاهده کرد. هر سه کارگردان نیویورک داشتند به طریق خود لعاب جذاب‌تری به مأموریت داده‌اند. نیویورک فیلم‌های پیشینشان بدهند، اما اسکورسیزی سرکش‌تر از فانتزی‌های آلن و کوپولا بر ساز قبلی می‌دمید. نیویورک اسکورسیزی در آن اپیزود به‌سان گذشته خون و خون‌ریزی نداشت اما لایه‌های خشونت کنترل‌شده‌ای را در ذات هنرمند نیویورکی قرار داده بود. واقعیت تلخ نیویورک از منظر اسکورسیزی خشونتی بود که در شهر موج می‌زد. نیویورک هنوز از گذشته‌اش عبور نکرده بود. از این‌رو، تاریخ شهر فانتزی‌هایی با پایان خوش را مناسب احوالات خویش نمی‌دید. ماندگاری داستان‌های نیویورکی در دههٔ هشتاد نزد اذهان آنگونه که انتظار می‌رفت تکرار نشد، اما فیلم‌های نیویورکی با حال‌وهوای دههٔ هفتاد همچنان بر روان مخاطب ساری و جاری هستند.

البته که سینما و جامعه واجد حیات مستقل خود بوده‌اند. اما این دو زاییدهٔ عصر مدرنیت کلافی سردرگم و به‌هم‌تنیده را تشکیل داده‌اند. همچنان که مرزی فرضی از قلمروهای مشترکشان نادیده پیداست و اتصالات جریان‌های سمپاتی در میان آن‌ها کتمان‌ناپذیر. از این‌سان، انعکاس خط سیر جامعه در فوتون‌های نوری فیلم روی پرده حدیث مشاطه‌گر و آیینه است. لیکن خواش رابطهٔ اسکورسیزی و نیویورک از مسیر ترمینولوژی پیر بوردیو، اندیشمند و جامعه‌شناس چپ‌گرای فرانسوی به مکاشفه در چرایی حدوث آثاری چون خیابان‌های پایین‌شهر(۳۷۹۱) و راننده تاکسی(۶۷۹۱) در نگاه اول و ساخت فیلم‌های چه کسی در اتاقم را می‌زند(۷۶۹۱)، باکسکار برتا(۲۷۹۱)، آلیس دیگر اینجا زندگی نمی‌کند(۴۷۹۱)، نیویورک، نیویورک(۷۷۹۱) در دههٔ ۷۰ میلادی میان‌بر می‌زند. فیلم‌هایی که امضای کاری آقای کارگردان را در سال‌های بعد شکل دادند؛ و البته نباید از مستندهای اسکورسیزی در دههٔ ۷۰ نیز غافل ماند.

اگر اسکورسیزی را در کاتالیزورهای اندیشه و تفکرات پیر بوردیو به تحلیل نشینیم، پیدایش سرمایهٔ فرهنگی تجسم‌یافته که بر موبک جامعه‌پذیری سوار می‌شود از خانوادهٔ او منتقل شده‌است. نگاه به مستند آمریکایی‌ایتالیایی (۴۷۹۱) ریشه‌های مضامین روایی در فیلم‌های اسکورسیزی را آشکار می‌کند. از ریتم، سرعت و گویش آدم‌ها تا باورهای مذهبی، سلسله مباحثی هستند که در فضای خانوادگی اسکورسیزی‌ها مطرح می‌شود. بنابراین ایده‌هایی که در پس فیلم‌های اسکورسیزی ردیف شده‌اند، از ایتالیای کوچک آب می‌خورند. تزریق فرهنگ و نوع مرادوات کوچه و خیابان در فیلم‌های اسکورسیزی نیز از همین نقطه نشأت می‌گیرد. چرا که زندگی در نیویورک به فراخور زندگی در هر جامعه دیگر مستلزم جامعه‌پذیری برای اسکورسیزی جوان بوده است. نیویورک در اغلب دوره‌های خود از ماهیت یک جامعه پیشرفته یا دست‌کم رو به پیشرفت برخوردار بوده‌است. در چنین جوامعی افراد از درون فضاهای اجتماعی به‌غایت منفک از هم نمی‌آیند. هیبریدی از فضاهای اجتماعی غالب از ابتدای قرن بیستم ساکنان نیویورک را در برگرفته است. زندگی، هنر، علم، دین، اقتصاد، قانون و سیاست ساختارهای مولکولی این ایرها را پیوند می‌زند. بنابراین، قواعد و قوانین خاصی در جامعه بروز پیدا می‌کنند. از گذشته تا به اکنون تجربه نشان داده است آن دستورات، اقتدار خاص خود را به شهروندان

خود آدمی. تاریخ گواهی می‌دهد که انسان مستعد بلوا است و بلوا گرانیگاه تروما. آسیب‌شناسی بلوا از آن زمان رونق گرفت که از سینه‌ای به سینهٔ دیگر چرخ زد و در قالب صدا از زبان زاده شد. آن‌ها که عمیق‌تر بودند روایت نام نهادندش. و آن‌هایی که حظی در آن دیدند به مکتوبات سپردندش. کتمان‌ناپذیر بود که روایات از پیکرهٔ عمر آدمی پا گرفتند. لیکن انضمامی‌کردن آن بسترِی برای وقوع می‌طلبید. غایتا یکجانشینی بشر این فرصت را به روایت‌ها ارزانی داشت. پس چنانکه قریه‌ها به آبادی و آبادی‌ها به شهر بدل می‌شدند، سیر وقوع حوادث گستره وسیع‌تر و سهمگین‌تری را پیش روی خود می‌دید. طولی نکشید که هنر به مشتقه‌ای بی‌جانشین از زندگی انسان‌ها بدل شد. نتیجهٔ غایی این وصلت شیوه‌های گوناگونی به بیان روایت‌ها و داستان‌ها هبه نمود. دهه‌ها پس از تولد سینما داستان آبشخور شکل‌گیری یک فیلم، چند کاراکتر و سیر وقوع وقایع بودند. داستان در مسیر خودش الزاما از پستی و بلندی‌هایی می‌گذشت تا شروع، میانه و پایان در یک ردیف نشینند. داستان‌ها شخصیت‌ها را خلق می‌کردند و شخصیت‌ها امکان عدول از مسیر مشخص‌شده را نداشتند. تا میانه‌های قرن پیشین این اتفاق به‌سان نسخهٔ قابل اعتمادی رهگشایی می‌کرد. لیکن انسان‌های نیمه دوم قرن بیستم گویی از جنس سابق نبودند. ترومای دو جنگ جهانی، آوارگی، کشتار به‌دست هم‌نوع، تبعیض‌های جنسیتی، نژادی، فرهنگی و اقتصادی فضای ملتپهی را رقم زده بود. اقتضائات سبب شده بود تا اتمسفر قبلی نیاز دوران را برآورده نسازد. به‌همین‌سان، ارزش‌ها نیز تغییر کرده بود. رفته‌رفته تغییرات به سینما نیز وارد شد. در این میان، داستان‌ها نبودند که شخصیت‌ها را شکل می‌دادند. این‌بار شخصیت‌ها حی‌وحاضر بودند. کنش‌ها و یا حتی ناکنش‌های آدم‌ها قصه را می‌ساخت. به‌بیان‌دیگر، قصه‌ها در مجموعه‌ای از کنش‌های آدمی مستتر بودند. تنفس در جهان نوین موقعیت‌های متفاوت از پیشینیان خلق کرده بود. مسئله‌ها درونی‌تر شده بود و فزونی آن‌ها گسترده‌تر. سیر سلوک، نزول و یا تحول آدمی، از جنس مدل‌های پیشین نبود. تماشاگران عادت داشتند از نقطهٔ امنی بر جهان فیلم سوار شوند، در پس حادثه‌ها با کاراکتر هم‌ذا پنداری کنند و آنگاه با حصول اطمینان از سرانجام و امنیت قهرمان در پایان از خیال پیاده شوند. جهان نوینی که برخی فیلم‌ها رقم زده بودند مخاطب را حین یا پس از حادثه به منجلاب پیرامون شخصیت اصلی پرتاب می‌کرد. آن‌ها خیالی نبودند، فیلم‌ها ورای واقعیت بودند.

نام‌هایی در اندازه‌های مارتین اسکورسیزی و وودی آلن در دامن باورهای سنتی، مذهبی و عامیانه پرورش یافته‌اند. آن‌ها در مرز بین تفکرات محافظه‌کارانه سنتی و ایده‌های لیبرالیستی نواندیشان قرار دارند. لذا فیلم‌هایشان آماج تقابلات سنت‌گرایان و نوگرایان است. برای هر دو نفر نیویورک نه یک شهر، که یک شخصیت بود. شخصیتی که خصایص خویش را به ساکنانش ارزانی می‌داشت. این فرصتی بود تا شهر هم زنده بماند. به‌میانجی سینما نقش‌آفرینی نیویورک در فیلم‌ها سرآمدتر از خیل کثیری از نام‌ها مانده است. این موهبتی بود از سوی سینما تا نیویورک تاریخ خودش را به رخ آینده بکشد. همان‌زمان که در محله‌های فقیرتر اسکورسیزی از ترومای جنگ و درماندگی انسان می‌گفت. اگر اسکورسیزی آلام جمعی شهروندان را مرور می‌کرد، آلن از آنچه بر فردیت ساکنان شهر گذشته بود، فیلم می‌ساخت. زمین بازی یکی بود. مالوی جهان هر دو کارگردان یک نیویورک بود. زمانه، سخاوتمندانه آغوشش را بر نوسانات و محدودیت‌های

فرزندشان بیشتر تلاش می‌کنند، به نظر می‌رسد که کمتر درباره ازدواج، خودشان و زندگی خود می‌دانند. اسکورسیزی و دی‌کاپریو در طول ۲ دهه در ۶ فیلم بلند با هم همکاری کرده‌اند؛ اما این فیلم نخستین تجربه همکاری اسکورسیزی با جنیفر لارنس را

رقم خواهد زد. با این حال، این فیلمساز مشهور، تهیه‌کننده فیلم آینده لارنس با عنوان «عشق من بمیر» است. این فیلم به کارگردانی لین رمزی، در جشنواره کن به نمایش درآمد و پاییز امسال در سینماها اکران خواهد شد و لارنس را از همین حالا

در صف اسکار قرار داد. دی‌کاپریو هم با فیلم «یک نبرد پس از دیگری» ساخته پل توماس اندرسون نقدهای مثبتی دریافت کرده است. این ۲ بازیگر پیش از این در فیلم کمدی-درام آخرالزمانی «به بالا نگاه نکن» ساخته آدام مک‌کی در سال ۲۰۲۱ با هم

جلوی دوربین رفته بودند.

اپل از سابقه همکاری با همه این چهره‌ها برخوردار است. این استودیو سازنده «قاتلان ماه گل» اسکورسیزی و دی‌کاپریو بود و درام «کاوزوی» لارنس در سال ۲۰۲۲ را توزیع کرد.

شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۹۴

فرهنگ

میراث

در شیراز:

نویسند فبرجسته

ادبیات کودک در گذشت

«ثمینه باغچه‌بان»، نویسنده آثار کودک و نوجوان و فرزند «جبار باغچه‌بان» در سن ۹۷ سالگی دار فانی را وداع گفت.
ثمینه باغچه‌بان، نویسنده مطرح آثار کودک و نوجوان در سن ۹۷ سالگی دار فانی را وداع گفت. وی ۵ فروردین ۱۳۰۶ در تبریز متولد شد، در سال ۱۳۴۱ در پی تاسیس شورای کتاب کودک، فعالیت خود را در آن جا آغاز کرد و دو کتاب «پل چوبی» و «نوروزها و بادبادک‌ها» به قلم او از کتاب‌های برگزیده شورای کتاب کودک است. یونیسف انجام پذیرفت، ارائه ترانه فولکلوریک «دویدم و دویدم» در قالب کتاب و تهیه ویدئوی آن به زبان اشاره است که پلی بین کودکان ناشنوا و شنوا شد. این کتاب به زبان انگلیسی و اسپانیایی برگردان شده است.

او در معرفی فعالیت‌ها و پیشرفت‌های چشم‌گیر ایران در زمینه توانبخشی ناشنوایان در کنفرانس‌های جهانی، نوشتن کتاب‌هایی درباره آموزش و پرورش ناشنوایان، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان و برگردان آثاری در زمینه آموزش ناشنوایان، اختلالات گفتاری و ناگوییایی به زبان فارسی نقشی بسیار موثر داشت.

در سال ۱۹۷۷ از سوی Clarke School Fellowship For The Middle East USA یک بورس تحصیلی به نام ثمینه باغچه‌بان نام گذاری شد. از دیگر آثار او می توان به کتاب‌های «جم جمک برگ خزون» ، «آفتاب مهتاب چه رنگه» و کتاب «روشنگر تاریکی‌ها»، درباره پدرش جبار باغچه‌بان اشاره کرد.

مراسم تشییع ثمینه باغچه بان روز پنجشنبه ۲۷ شهریور از مقابل مدرسه باغچه‌بان برگزار شد.



تاتامی

واقعیت چیست؟

سهرابی مغلوب قانون پیشنهادی ایران شد!

غفار میرزایی

شکست نماینده ایران در وزن ۷۲ کیلوگرم سوالات زیادی را در ذهن مخاطبان ایجاد کرد.

در وزن ۷۲ کیلوگرم سید دانیال سهرابی، در دور نخست با نتیجه ۱۰ بر ۱ امتاتور اسماعیلیف از قرقیزستان را مغلوب کرد. وی در دور دوم نیز با نتیجه ۱۰ بر ۱ دمیتری آداموف از روسیه را شکست داد

و به مرحله یک چهارم نهایی راه یافت.

سهرابی در این مرحله با نتیجه ۴ بر ۲ و با توجه به پایان رسیدن ۴ دقیقه وقت پزشکی برای درمان خونریزی، مغلوب ابراهیم قائم از فرانسه شد و باید منتظر حضور حریفش در دیدار فینال باشد تا

وی نیز بتواند به کار خود در گروه بازنده ها ادامه دهد.

بازنده اعلام کردن سهرابی در میانه کشتی سوالات زیادی را برای مخاطبان این رشته اعلام و حتی بسیاری شیپور ناداوری را در دست گرفتند تا باخت ملی‌پوش ایران را توجیه کنند.

اما واقعیت چیست؟ سال ۲۰۱۶ و در فینال وزن ۷۴ کیلوگرم المپیک ریو انور گدیوف روسی با استفاده از مصدومیت ناشی از خونریزی زمانی زیادی از رقابت با حسن یزدانی را تلف کرد تا جایی که پس از دیدار فینال حسن یزدانی و انور گدیوف روس در المپیک ۲۰۱۶ برزیل، اتحادیه جهانی در مورد مدت زمان استراحت پزشکی در حین مسابقه تصمیم‌گیری جدی را در دستور کار قرار داد. با پیشنهاد ایران و تصویب اتحادیه جهانی کشتی برای پیشگیری از طولانی شدن زمان مسابقه، یک تایم استراحت پزشکی تعریف شد که هر کشتی‌گیری می‌تواند ۴ دقیقه از آن استفاده کند. با پایان این تایم کشتی‌گیر مصدوم با هر نتیجه‌ای بازنده خواهد شد. این قانون در تمام مسابقات رسمی و رده‌های سنی مختلف قابلیت اجرایی دارد و تا امروز نیز بارها از آن استفاده شده است. سهرابی امروز در حالی نتیجه را به قهرمان جهان واگذار کرد که هم ۴ بر ۲ از حریف عقب بود و هم اینکه زمان استراحت پزشکی او پایان یافته بود.



فیلم نوآر و فیلم موزیکال و همچنین با تأثیر از نئورئالیست‌های ایتالیا و موج نو فرانسه حیات محلی شد تا اسکورسیزی همیشه آنجا بایستد. استفاده از دوربین روی دست امواج آشفته‌گی را از پرده به مخاطب سرازیر می‌کرد. دانه‌های سیاه و سفید روی تصویر خیابان‌های پایین‌شهر، تمهید کارگردان جوان بود برای پیوند شهر به تلاطم درون آدم‌ها. فضای شهر سرکشی را به اسکورسیزی جسور داده بود و او آموزه‌هایش را به آدم‌های فیلم تزریق کرده بود. تشعشع انرژی‌های برآمده از اتمسفر شهر در نهاد تکتک آدم‌ها و دیالوگ‌هایشان نمود داشت.

اگر خیابان‌های پایین‌شهر به مسیر فیلم‌سازی اسکورسیزی هویت می‌بخشید، ولیکن هویت را از ساکنان خودش می‌ستاند. زیستن در خیابان‌های پایین‌شهر مستلزم هم‌زیستی با پارادوکس‌ها بود. شهر آدم‌هایی را درون خودش جای داده بود که در کلیسا به یاد عذاب می‌افتادند و در خیابان در تدارک گناه، آدم‌هایی که دست به هر کاری می‌زدند تا از طبقهٔ کنونی‌شان کنده‌شده و به بالاسری‌ها بپیوندند. ساکنان شهر میان تعلقات ایتالیایی و فرهنگ آمریکایی گم شده بودند. انتخاب موسیقی در فیلم موید این گم‌گشتگی است.

نقش موسیقی تبیین دنیای بینافرهنگی دیاسپورا بود. موسیقی دایجستیکی که غالباً در فیلم روی تصاویر می‌نشست و پایداری و ناپایداری لحظه و فضا را در عمق روایت مهندسی می‌کرد. اینچنین خیابان‌های پایین‌شهر تعاملی شد میان کارگردان و فضاها. ساخته‌ای که لابه‌لای فیلم گنگستری،

البته که سینما و اجتماع حیات مستقل خود

بوده‌اند. اما این دور از دید عصر مدرنیت کلافی

سردرگم به هم تنیده‌تر تشکیل داده‌اند. همچنان

که مرزی فرضی از قلمروهای مشترکشان نادیده

پیدا است و اتصالات جریان‌های سمباتی در میان آن‌ها

کتمان ناپذیر. از این سان، انعکاس خط‌سیر جامعه

در فوتون‌های نوری فیلم روی پرده حدیث مشاطه‌گر

و آینه‌است. لیکن خوانش رابطهٔ اسکورسیزی و

نیویورک از مسیر تره‌مینولوژی بیربور دیو، اندیشمند و

جامعه‌شناس چپ‌گرای فرانسوی به‌کم‌کاشف در جرای

حدوث آثاری چون خیابان‌های پایین‌شهر (۱۹۷۳) و

راندند کاسی (۱۹۷۶) در نگاه اول و ساخت فیلم‌های

چه کسی در اتاق می‌زند (۱۹۶۷)، باکس‌کارتا (۱۹۷۲)،

آلیس در دیگر آنچیز زندگی نمی‌کند (۱۹۷۶) نیویورک،

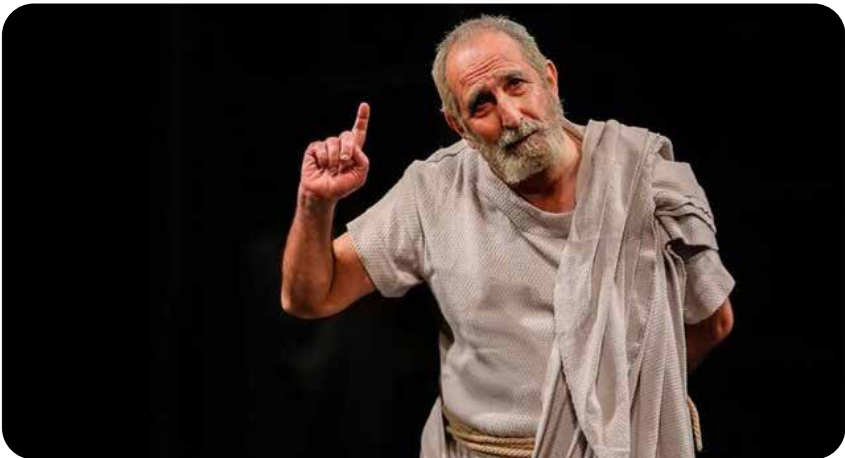
نیویورک (۱۹۷۷) در دههٔ ۷۰ میلادی میان‌بر می‌زند.

فیلم‌هایی که امضای کاری آقای کارگردان را در

سال‌های بعد شکل دادند؛ و البته نباید از مستندهای

اسکورسیزی در دههٔ ۷۰ نیز غافل ماند.

برای ۷۳ سالگی فرهاد آبییش؛ بازیگری که هم مصدق شد و هم سرباز ساده دل



برای فرهاد آبییش تفاوتی نمی‌کند که نقش سیاستمداری مانند دکتر مصدق را بازی کند یا سربازی ساده‌دل مانند شواپک، یا میمونی که به آدمیزاد تبدیل شده. او در هر صورت باید نقش را در خودش پیدا کند.

امروز، ۲۷ شهریور ماه زادروز فرهاد آبییش است و او امسال ۷۳ ساله می‌شود.

بیشتر مردم آبییش را به عنوان بازیگر می‌شناسند؛ بازیگری که نقش‌هایی شوخ و شنگ از او دیده‌اند اما او همانطور که شوخ و بذله‌گو است، فیلسوف هم هست.

آبییش تابستان امسال هم‌زمان با بازی‌اش در نمایش «گزارش به آکادمی» در نشستی که در ایسنا داشت، عنوان کرد که هیچ نقشی را قبول نمی‌کند مگر اینکه بتواند خود را در آن پیدا کند: «حتی در کارهای سطحی هم همیشه خیلی قضیه را جدی می‌گیرم که نقش چیزی برایم داشته باشد و بتوانم در آن رشد کنم و از طریق آن خودم و دنیا را بشناسم. در تئاتر که این مساله برایم غوغا می‌کند. یعنی بازی کردن

دیده‌اید، از مصدق تا سقراط یا شواپک، همه اینها خود من بودم.»

او تنها بازیگری است که تاکنون سه بار نقش دکتر محمد مصدق را بازی کرده است؛ در نمایش «اپورت‌های شبانه دکتر مصدق» که با کارگردانی اصغر خلیلی در تالار وحدت روی صحنه رفت و دو بار هم در سینما؛ فیلم‌های «تختی» به کارگردانی بهرام توکلی و «خائن‌کشی» کار مسعود کیمیایی.

آبییش هم‌زمان با بازی‌اش در این فیلم درباره بازی در نقش محمد مصدق گفته بود: «برای بازی در آن نمایش به مدت دو سه ماه در دنیای مصدق غرق شدم و تلاش کردم او را از جنبه‌های مختلف روانشناسی هم بشناسم نه اینکه فقط بر زندگی سیاسی‌اش تمرکز کنم. تلاش کردم به کمک شنیده‌هایم، با تحلیل تصمیمات سیاسی‌اش، دیدن عکس‌ها و فیلم‌های اندکی که از او بر جای مانده و همینطور با شنیدن سخنرانی‌هایش به او نزدیک شوم. هر بار که قرار است این نقش را بازی کنم تمام مدت عکس‌های او را بر دیوار اتاقم نصب می‌کنم، در لپ‌تاپم تصاویر او را به صورت اسلاید تماشا می‌کنم. حتی عکس‌هایش را بر دیوار پشت صحنه تئاترمان، نصب کرده بودم.»



خیام کاو؛ تمرینی برای دیالوگ



منتشر شد...

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین تحت پلاک ۱۴۸ فرعی از ۷۲ اصلی واقع در قریه شهراسر شهرستان طالقان جزء حوزه ثبتی طالقان بنا به علل منعکس در پرونده باید به عمل آید حسب تقاضای کتبی مالک خانم شهناز علی محمدی ذیل وارده ۳۰۳۳۶۴ مورخ ۲۵ مردادماه ۱۴۰۴ با رعایت مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت عملیات تعیین حدود آن در ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۲۳ مهرماه ۱۴۰۴ در محل به عمل خواهد آمد لذا با انتشار این آگهی از متقاضی و مالکین املاک مجاور دعوت میشود تا در روز و ساعت مقرر در محل حضور یافته و هر ادعایی نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی آن دارند به نمایندند محد اظهار دارند و کسانی که به عملیات تعیین حدود اعتراض دارند میتوانند به استناد ماده ۲۰ ق و در اجرای مواد ۷۴ و ۸۶ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورجلسه تحدیدی ظرف مدت سی روز اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک طالقان ارائه نموده و رسید دریافت نمایند و نیز باید ظرف مدت سی روز از تاریخ تسلیم این اعتراض به مراجع ذیصلاح قضائی مراجعه و ضمن تقدیم دادخواست گواهی آن را اخذ و به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت اقدام قانونی بنا به تقاضای ذینفع به عمل خواهد آمد. ۲۰۲۸۱۰۲۰

ایمان‌های‌پور - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک طالقان

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف و
ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)**

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۳۹۳۱۱۰۰۴۱۳۹ مورخ ۱۴۰۴/۵/۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مسلم بیرامی بشناسنامه شماره ۳۱۰۶۶۱۰۰۳۱۰ صادره از کرج فرزند مالک در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای ادعائی در آن به مساحت ۱۲۰ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۵۳ فرعی از ۱۴۲ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای علالدین صدوی و با مالکیت مالک اولیه آقای حسن اورنگی تأیید مینماید لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی تا مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۰۴/۳۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۷/۱۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۷/۷۹ مترمربع حاصل از نهر متروکه به پلاک ۲۹۳۳۹ فرعی از ۱۶۹ اصلی جهت تجمیع با پلاک ۲۲۴۲۸ فرعی از ۱۶۹ اصلی واقع در میانجاده شهرستان کرج جزء حوزه ثبتی ناحیه سه کرج به جهت عدم مراجعه مالک یا وکیل قانونی بعمل نیامده است بر حسب تقاضای کتبی آقای جمال موسوی ذیل وارده ۲۶۶۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۴ قائم مقام و نماینده شهرداری منطقه ۹ شهرداری کرج با رعایت مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت عملیات تعیین حدود آن در ساعت ۸ صبح روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ در محل به عمل خواهد آمد لذا با انتشار این آگهی از متقاضی و مالکین املاک مجاور دعوت میشود تا در روز و ساعت مقرر در محل حضور یافته و هر ادعایی نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی آن دارند به نماینده محدود اظهار دارد و کسانی که به عملیات تعیین حدود اعتراضی دارند میتوانند به اسناد ماده ۳۰ ق و ث در اجرای مواد ۷۴ و ۸۶ این نامه اصلاحی قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدید طرف سی روز اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۳ کرج ارائه نموده و رسید دریافت نمایند و نیز باید طرف مدت سی روز از تاریخ تسلیم این اعتراض به مراجع ذیصلاح قضایی و ضامن درخواست گواهی آن را اخذ و به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت اقدام قانونی به نام تقاضای ذیفع به عمل خواهد آمد. ۲۰۰۵۰۲۰۰

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ این نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضي و ساختمان های فاقد سند رسمي - ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۱۷۸/۱۲۰۳۳۱-۱۴۰۶ مورخ ۴ مردادماه ۱۴۰۴ جلسه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت اوجیلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی فاطمه شیبیک فرزند شیر محمد بشماره شناسنامه ۱۴۷۴ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای اداحتی به مساحت ۱۲۰۶۰ مترمربع یکصدویست مترو شصت دسی متر مربع- پلاک ثبتی ۳۶۷ اصلی واقع در چهار باغ جزء حوزه ثبتی ساوجیلاغ از مالکیت رحیم دیرم زارع برابر سند ۳۱۷۰۶ مردادماه ۱۳۹۳ دفترخانه ۲۵ کرج محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع مردم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیر الانتشار و محلی همزمان در یک تاریخ چاپ و آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از رسید، ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض را، خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۵۰۲۵۸۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳ تیرماه ۱۴۰۴

بشیر نعيمزاده، رئيس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجیلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۸۵/۱۱۰۰۳۳۱۱۱۴۰۴۰۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیدمحسن امیر جهانی بنامشماره ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ ص ۳۹۰ در کرج فرزند سیدجهان در ۴۶/۳۰ سهم از ۱۰۰ سهم ششادگان یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۱۳/۰ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۸۹ فرعی از ۱۴۴ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای سیدمسعود امیر جهانی و با مالکیت مالک اولیه آقای رجبعلی کمالی دهقان تایید مینماید لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراضات را درخواست صدور را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم صدور اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند، رسمي-ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۲۰۱۲۶۹۲/۳۳۱-۱۴۰۶ مورخ ۱۱ مردادماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساجوبلاغ تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی جمیلی محمودی فرزند محمد به شماره ملی ۳۳۱۱۴۴۴۴۱ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۲۷.۰۵ متر مربع از مالکیت شادی حق نژاد نسبت به پلاک ۴۴۴ فرعی از ۴ اصلی ذیل دفتر ۸۰۸ صفحه ۳۸۵ واقع در هشتگرد حوزه ثبتی ساجوبلاغ استان البرز اراضی و رای هیئت صادر گردیده لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۳۳۸۴۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴

بشیر نعیمزادہ - رئیس ادارہ ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۴۸۴۹/۱۱۰۰۴۳۳۱۰۱۴۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سپاک علیرضا الهی بشناسنامه شماره ۳۷۷ صادره از اندیمشک فرزند عبدالمحمد در ۴۷/۹۰ سهم از ۱۰۰ سهم ششادک یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۳۳/۸۰ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۸۹ فرعی از ۱۴۴ اصلی واقع در البرز و با خریداری از خانم متهمه درخشان و با مالکیت مالک اولیه آقای رجبعلی کمالی دهقان تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۴۸۴۸/۱۱۰۰۰۳۳۱/۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وصیت ثبتي اراضي و ساختمانها ي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبتي ناحيه سه كرج تصرفات مالكانه بلامعارض متقاضی آقای سيدقادر حسيني بشناسنامه شماره ۴۰ صادره از سراب فرزند سيد حسين در ۵/۸۰ سهم از ۱۰۰ سهم ششدانگ يك قطعه زمين با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۲۳/۸۰ مترمربع مفروز از پلاك شماره ۴۸۹ فرعی از ۱۴۴ اصلی واقع در البرز و با خريداري از خانم محترم درخشان و با ملكيت مالك اوليه آقای رجيعلى كمالي دهقان تايد مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی كه اشخاص نسبت به صدور سند ملكيت متقاضی اعتراضی داشته باشند ميتوانند از تاريخ انتشار اولين آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضايی تقديم نمايند. بديهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند ملكيت صادر خواهد شد. ۲۰۱۴۴۲ تاريخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج



شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۹۴

نگاه «دنیای هوادار» به آنچه در شب اول رقابت‌های آسیایی رخ داد؛

فاجعهٔ ملی

به حریفان این تیم، دور از دسترس نیست.

حسن صاعقی‌پور

ژوزه مورینیو درخصوص دوران سخت مربیگری در اینتر گفته است: «در دوران حضور در اینتر بازی‌های مهمی در رقابت های اسکودتو، کوپا ایتالیا و لیگ قهرمانان داشتیم، اما پیروزی در کیف در مقابل دینامو شروع همه چیز بود. شکست برابر بارسلونا در لیگ قهرمانان بهترین شکست زندگی من بود. آن مقطع دو هفته‌ای از زمان فینال مسابقات کوپا ایتالیا تا فینال لیگ قهرمانان، شبیه فیلمی با یک پایان عالی فوق العاده رقم خورد و داستانی بسیار خوب برای من بود.» در شب ناکامی فوتبال ایران در مسابقات باشگاهی آسیا که در آن نمایندگان ایران با دو شکست و یک مساوی و دریافت ۹ گل بدترین شروع تاریخ فوتبال ایران را در مسابقات باشگاهی آسیا رقم زدند، نکات ویژه‌ای نمایان شد و به همین دلیل بررسی دقیق این اتفاق و تحلیل صحیح این فاجعه ضروری به نظر می‌رسد. جایی که باید از اظهارنظرهای رنگی و تعصبات باشگاهی عبور کرد و برای ادامه حضور بهتر و مناسب سه نماینده فوتبال ایران، راهکار حرفه‌ای ارائه داد. مسلما در تمام برنامه‌های تلویزیونی و خبرگزاری‌های مختلف شاهد انتقادات گسترده‌ای خواهیم بود که صرفا شرایط را برای فوتبال باشگاهی کشور در مسابقات مهم آسیایی سخت‌تر خواهد کرد، اما لازم و ضروری است یک موشکافی دقیق در خصوص دلایل ناکامی نمایندگان فوتبال ایران انجام داد.

تراکتور، شاید موفقیت

شباب الاهلی امارات حریف هفته نخست تراکتور در لیگ نخبگان آسیا، به لحاظ عمق ترکیب و میزان قدرت در حدی بود که بتواند تراکتور ایران را متوقف نماید. با این حال شکل و شمایل بازی تراکتور به صورتی بود که می‌توان به موفقیت نسبی این تیم در بین غول‌های آسیایی امیدوار بود. «اما تراکتور همچنان بالانس نیست». این نکته را در شروع لیگ برتر و دو بازی این تیم مقابل استقلال به وضوح ملاحظه کردیم. «هشدار» که مورد توجه دراگان اسکوچیچ قرار نگرفت. تراکتور به سادگی آنالیز می‌شود، تنوع تاکتیکی ندارد، به لحاظ مسائل روحی و روانی از شرایط ایده‌آل دور است و با وجود داشتن نیمکتی قوی، فاصله آمادگی بازیکنانش در مقایسه ترکیب اصلی و نیمکت، معنادار بوده و تبدیل به پاشنه آشیل این تیم شده است. این در حالی است که تراکتور با نمایندگان عربستان در مرحله گروهی دیداری نخواهد داشت و لازم است با رتبه برتر به مرحله حذفی صعود نماید. «موضوعی که با توجه

تیم فوتبال جوانان کشورمان در دیداری تدارکاتی توانست روسیه را شکست دهد.

اولین دیدار تدارکاتی تیم فوتبال جوانان ایران مقابل روسیه از ساعت ۱۸:۳۰ شب گذشته به وقت ایران در سالن پودمسکویه شهر کورولیفو برگزار شد که این دیدار با نتیجه ۳ بر ۲ به سود ایران به پایان رسید.

پیروزی تیم فوتبال جوانان ایران مقابل روسیه با طعم کامبک

کردند اما به مرور با کسب تجربه و راهنمایی‌های صانعی و همکارانش بر بازی مسلط شدند و گل‌های خورده را جبران کردند.

در ادامه نیز، بازیکنان ایران چند فرصت گلزنی بدست آوردند که آن‌ها را از دست دادند، اما با گوش دادن به دستورات تاکتیکی برای سومین بار دروازه روسیه را باز کردند.

گل‌های ایران را امیرحسین مستشارزاده، حسین رضا یوسفی و امیرحسین عبدالرزاقی به ثمر رساندند.

بازیکنان زیر ۱۷ سال ایران که برابر ترکیبی از بازیکنان زیر ۱۸ و زیر ۱۹ سال روسیه قرار گرفته بودند با دادن سلام نظامی در زمان سرود ملی ایران، بازی را شروع کردند.

بازیکنان تیم فوتبال جوانان در ابتدای بازی دو گل دریافت

دنیای هوادار

خارج از گود



نماینده ایران به هیچ عنوان شرایط حضور متوسط در این جام را نداشتند، همین شرایط حاکم بود. باید به جرات عنوان کرد: فوتبال باشگاهی ایران از شرایط مناسب فاصله گرفته است. اگر بدنبال ریشه این معضل هستیم، صرفا نباید باشگاه‌ها را زیر سوال ببریم. آنگاه که انتخابات یک هیات با چالش‌های بزرگ همراه است، آنگاه که تمام ارکان فوتبال این کشور آینده نگری مناسبی درخصوص قرار گرفتن در مسیر درست فوتبال ندارند و صرفا در اندیشه بقا هستند، آنگاه که موضوع مهم اقتصاد و درآمدزایی باشگاه‌ها تحت الشعاع تصمیمات دولتی و گاهی احساسی است، نباید به قرار گرفتن فوتبال ایران اعم از باشگاهی و ملی در مسیر درست و حرفه‌ای و نهایتا کسب جام امیدوار بود.

حضور تراکتور، سپاهان و استقلال در مسابقات باشگاهی آسیا حضوری ملی تلقی می‌گردد. لاجرم باید به این تیم‌ها نگاه ملی متوجه شود. اگر در چهارشنبه شب گذشته، استقلال و فوتبال باشگاهی ایران مقابل تیم نه چندان قوی الوصل تحقیر شد، صرفا این باشگاه و مدیریت و کادرفنی آنان مقصر نیستند. این یک فاجعه ملی است که تبعات سوء آن به فوتبال ایران خواهد رسید و پس زمینه ذهن سران کنفدراسیون آسیا و حتی فیفا را درخصوص فوتبال ایران منفی خواهد نمود. البته باید اعتراف کرد که این فاجعه مربوط به فصل جاری نمی‌شود. چند سالی است که فوتبال باشگاهی ایران دچار بحران شده است. حتی در فصلوی که پرسپولیس ایران نیز به فینال آسیا صعود کرد و کمی قبل‌تر روزگاری که سپاهان در جام باشگاه‌های جهان شرکت نمود و در فصل نخست لیگ نخبگان که دو

فاجعهٔ ملی

حضور تراکتور، سپاهان و استقلال در مسابقات باشگاهی آسیا حضوری ملی تلقی می‌گردد. لاجرم باید به این تیم‌ها نگاه ملی متوجه شود. اگر در چهارشنبه شب گذشته، استقلال و فوتبال باشگاهی ایران مقابل تیم نه چندان قوی الوصل تحقیر شد، صرفا این باشگاه و مدیریت و کادرفنی آنان مقصر نیستند. این یک فاجعه ملی است که تبعات سوء آن به فوتبال ایران خواهد رسید و پس زمینه ذهن سران کنفدراسیون آسیا و حتی فیفا را درخصوص فوتبال ایران منفی خواهد نمود. البته باید اعتراف کرد که این فاجعه مربوط به فصل جاری نمی‌شود. چند سالی است که فوتبال باشگاهی ایران دچار بحران شده است. حتی در فصلوی که پرسپولیس ایران نیز به فینال آسیا صعود کرد و کمی قبل‌تر روزگاری که سپاهان در جام باشگاه‌های جهان شرکت نمود و در فصل نخست لیگ نخبگان که دو

پایان کار تیم ملی موی‌تای جوانان در مسابقات جهانی ابوظبی؛ ۲ طلا و ۳ برنز سهم ایران



فنی متشکل از شامنم صدیقی (مربی وای کرو)، علی پاک‌اعتقاد و مستانه سیف‌آبادی (مربیان بخش مبارزه) بود. همچنین سه داور بین‌المللی کشورمان، عبدالحلیم برازنده، فرشید کریمی و آرزو مقدوری با حضور در جمع کادر داورى مسابقات، نقش مهمی در قضاوت رقابت‌های این دوره ایفا کردن.

این پیکارها که با حضور ۱۲۰۰ موی تای کار از ۱۰۰ کشور جهان روز ۱۹ شهریور ماه، آغاز شده بود ، روز جمعه با برگزاری دیدارهای نهایی به پایان رسید.

مهباشود.

صدری همچنین به چالش‌های پیش‌رو اشاره کرد و گفت: ورزش اساساً هنر است، حتی در رشته‌هایی که ساده به نظر می‌رسند. با این حال، بخش زیادی از هزینه‌های اولیه استعدادیابی و قهرمان‌پروری توسط هیئت‌ها، فدراسیون‌ها، وزارت ورزش و حتی خیرین تأمین می‌شود و نگرانی جدی در این زمینه وجود ندارد. او با اشاره به لزوم اخذ مجوزهای بین‌المللی برای برگزاری رقابت‌ها در میدان نقش‌جهان افزود: به‌دلیل ثبت جهانی این میدان در یونسکو، هماهنگی‌های بین‌المللی ضروری است. مذاکرات اولیه با چند مجموعه اسپانسرى آغاز شده و امیدواریم این طرح به‌زودی به نتیجه برسد.

مدیرکل ورزش و جوانان اصفهان در پایان تأکید کرد: با راه‌اندازی هیئت‌های شهرستانی و ورود استعداد‌های روستایی، حتی اگر مجوز برگزاری رقابت‌ها در میدان

او همچنین دربارهٔ وضعیت مدیریتی هیئت‌های ورزشی استان توضیح داد: هیئت چوگان اصفهان هنوز با سرپرستی اداره می‌شود، اما مقدمات برگزاری مجمع فراهم است و به‌زودی رئیس انتخابی آن معرفی خواهد شد.

وی تصریح کرد: حضور یک مدیر ثابت می‌تواند مسیر استعدادیابی، آیت‌نگری و قهرمان‌پروری را شتاب ببخشد

مدیرکل ورزش و جوانان اصفهان با بیان اینکه حتی در روستاها و مناطق دورافتاده استعداد‌های کم‌نظیری وجود دارد، ادامه داد: بارها دیده شده قهرمانانی با کمترین امکانات از دل روستاها شناسایی شده‌اند. تنها کافی است فرصت دیدم‌شدن برایشان فراهم شود. به همین منظور، یکی از اهداف ما برگزاری رقابت‌ها در میدان نقش‌جهان است تا این رشته ورزشی در معرض دید مردم قرار گیرد و زمینه برای شناسایی استعداد‌ها

بیش از ۵۰۰ نفر از هواداران روسیه با حضور در سالن به حمایت از تیم کشورشان پرداختند و جو سالن کاملاً به سود روسیه بود. اواخر بازی، تشویق‌ها به اوج خود رسیده بود، اما بازیکنان ایران با تلاش زیاد بازی را به سود خود تمام کردند. دومین دیدار تدارکاتی روسیه و ایران نیز امروز برگزار خواهد شد.

ورزشی

دریجه

روایتی از زندگی یک چهره شناخته شده؛

حمید کریمی، در مسیر میان داری و نیکوکاری

در خیابان‌های شلوغ کرج، اگر روزی مردی با قدی نه چندان بلند، شکمی کمی جلوآمده، موهایی جوگندمی، سبیلی پرپشت و تسبیحی دانه‌درشت آویزان بر گردن دیدید، احتمالاً با «حمید کریمی زرکانی» روبه‌رو شده‌اید؛ کسی که دوستانش او را با کمی اغراق «سلطان» صدا می‌زنند.

حمید کریمی سال‌هاست که در نقش فروشنده خودرو، خیر

اجتماعی و چیزی شبیه به « میانجی گر غیررسمی مردم » در شهر شناخته می‌شود.

چراکه فصل آخر بسیاری از شکایت ها و درگیری ها با

وساطت او منجر به سازش می شود.

آنچنانکه دعوای بسیاری از چهره های فعال سیاسی و اجتماعی با پادرمیانی کریمی به سازش رسیده است.

او هرچند دوست دارد به مقامات و مدیران شهری نزدیک باشد، اما سبک زندگی‌اش هیچ نسبتی با استانداردهای اتوشنیده ولتی‌ها ندارد. درحالی‌که بسیاری از مدیران شهر با کت و شلوار و خودروهای ایرانی جابه‌جا می‌شوند، کریمی با شلوار جین ، پیراهن آستین کوتاه ، یقه باز و خودروهای لوکس و مدل بالای خارجی وارد میدان می‌شود؛ درست مثل ستاره‌ای که می‌داند همیشه یک دوربین جایی در کمین اوست.

اوایل دهه ۸۰ ، مجید طاهرخانی، روزنامه‌نگاری از کرج که نخستین مصاحبه‌اش با کریمی به سال ۷۶ برمی‌گشت، در گزارشی او را با علی پروین مقایسه کرد. کریمی ذوق‌زده متن را برای علی پروین برد و پروین هم با همان لحن خاص و معروف خود که آمیخته به ناسزاست گفت: « مرد حسابی من سلطان فوتبال ایران و آسیا هستم، تو نهایت سلطان زرکان و کرج باشی و قلمروت از عوارضی کمال‌شهر تا عوارضی چیتگر بیشتر نمی‌رسد!» همین شوخی پایه‌گذار یک رفاقت ماندگار شد؛ رفاقتی که تا امروز ادامه دارد و پروین بارها در مراسم و برنامه‌های کریمی کنار او ظاهر شده است.

کریمی اما تنها به فوتبال و رفاقت با پروین بسنده نکرد. او سال‌ها تیم‌داری کرد؛ از تیم فوتبال شهدای زرکان – که امتیازش را سال گذشته به فرد البرز فروخت – تا تیم فوتبال رویال تهران که زیر پرچم نام نمایشگاه خودرویش در مسابقات حاضر می‌شد.

مسابقات دوستانه با پرسپولیسی‌ها و تیم‌های منتخب کرج و زرکان، نه تنها شور و شوقی فوتبالی به شهر می‌بخشید، بلکه در بسیاری مواقع با هدف جمع‌آوری پول برای نیازمندان برگزار می‌شد؛ چیزی شبیه به «گلریزان‌های فوتبالی» که هزینه های نیازمندان از دل آن تأمین می‌شود. واژه «گلریزان» در زندگی کریمی یک کلیدواژه است. کمک‌های مردمی برای آزادی زندانیان مالی، هزینه درمان بیماران و حتی گرفتن رضایت در پرونده‌های قصاص؛ همه اینها در کارنامه او دیده می‌شود. حضور کامیون‌های مملو از کمک‌های اصفاف کرج در حوادث طبیعی هم بدون نام کریمی قابل تصور نیست. کافی است زلزله یا سیلابی رخ دهد؛ چند ساعت بعد او با ژستی قهرمانانه در مقابل دوربین‌ها ظاهر می‌شود، درست مثل ناجی‌ای که همیشه در صحنه حاضر است.

البته منتقدان می‌گویند او بیش از آنکه به عمل فکر کند، به قاب تصویر علاقه دارد. «وابسته به دوربین» یا «معتاد ستایش» دو برچسبی است که مخالفان به او می‌زنند. اما طرفدارانش جواب آماده‌ای دارند: حتی اگر همه این کارها برای دیده شدن باشد، چه اشکالی دارد؟ در نهایت زندانی آزاد می‌شود، محکوم به اعدام از طناب نجات پیدا می‌کند، خانهای برای بی‌خانمان ساخته می‌شود. مهم این است که او وارد میدان می‌شود، و مشکلات گرفتاران و نیازمندان را حل می کند.

یکی از رازهای ماندگاری کریمی در شبکه گسترده دوستانش نهفته است؛ دایره‌ای که از «سینه‌سوخته‌های حبس کشیده و عشق لاتی های رد چاقوخورده» شروع می‌شود و تا ورزشکاران المپیکی، مربیان شناخته‌شده، خبرنگاران، کارآفرینان و مدیران شهری ادامه دارد. این شبکه برای او هم سرمایه اجتماعی است و هم ابزار عمل؛ چراکه بسیاری از گلریزان‌ها و کمک‌ها بدون همین دوستان کار نمی‌گرفت. زندگی روزمره کریمی هم بی‌ماجرای نیست. یک‌بار که پایش شکست و مجبور شد مدتی در باغ ویلای خود استراحت کند، پای گچ‌گرفته‌اش شبیه به دفتر یادگاری دبیرستان شد؛ هر روز ده‌ها نفر به عیادتش آمدند و روی گچ پا چیزی نوشتند؛ اما اگر بخوایم ویژگی شاخص او را انتخاب کنیم، شاید باید روی «روحیه رقابت» درج کنیم. برای کریمی باخت معنا ندارد. چه در فوتبال باشد، چه والیبال، چه حتی بولینگ. برای همین گاهی پای بهنام محمودی، کاپیتان والیبال ایران یا فیروز کریمی، مربی فوتبال را وسط می‌کشد تا تیمش پیروز شود. در مسابقات دوستانه اگر لازم باشد بازی تا ۱۸۰ دقیقه هم ادامه پیدا می‌کند، چون داور حق ندارد سوت پایان را بزند مگر وقتی تیم کریمی جلو افتاده باشد!



راه‌های پیشگیری از افسردگی پاییزی

↗ Nournews_IR



با شکم پر
نخوابید



از خواب نیمروزی
پرهیز شود



غذاهای گرم
و مرطوب بخورید



پُر خوری
نکنید



خواب
کافی
داشته باشید



چای
سبز
بنوشید



در معرض
نور خورشید
قرار بگیرید



فعالیت بدنی
منظمی
داشته باشد

